

سختیها و پیروزی های سلطنت داوود
شش درس که به بچه ها آموزش می دهد چطور یک زندگی پیروزمندانه
مسیحی را زیست کنند. درس ۱- از شکست تا پیروزی...
درس ۲- خدا داوود را سرافراز می نماید....
درس ۳- گناه داوود...
درس ۴- داوود و مفیوشت...
درس ۵- داوود از پسر اش فریب می خورد...
درس ۶- پیروزی نهایی داوود...

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

اول سموئیل ۸۲ : ۱- ۹۱، ۹۲ : ۱- ۰۳ : ۹۱

آیه حفظی

دوم تیموتائوس ۱ : ۷ " زیرا خدا روح جبن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تادیب را. "

هدف تعلیم

بچه نجات یافته به خدا توکل می کند تا پیروزی حاصل شود، این دانش که ترس و بی ایمانی باعث شکست می شود.

تعلیم اصلی

برای پیروزی بر مشکلات به خدا نگاه کن.

تاکید برای نجات نیافتگان

به عیسی خداوند ایمان بیاور و نجات را دریافت کن

کمک های تصویری

۲۹- ۱۸- دی

خطوط کلی درس

۱- مقدمه

آیا تا به حال ترسیده اید؟ بعضی وقت ها ترس می تواند باعث شود که ما کارهای عجیب و حتی خطرناک انجام دهیم. افراد بالغ نیز می توانند وحشت زده شوند، افرادی مثل پادشاهان یا سربازان

۲- پیشرفت وقایع

الف- داوود و سربازان اش از ترس شائول به سرزمین فلسطینی ها فرار کردند، در انجا داوود با حمله به شائول دیگر وانمود کرد که به پادشاه دشمن خدمت می کند. (۷۲ : ۱- ۲۱)



ب- اخیش پادشاه به داوود گفت که داوود باید در جنگ بر علیه اسرائیل به فلسطینی ها کمک کند. (۲)



پ- شائول دشمن را بررسی کرد ، او که بسیار ترسیده بود، در جستجوی هدایت خدا بود و لی هیچ پاسخی دریافت نکرد. (۸۲ : ۳- ۶)

ت- وقتی که شائول با یک فال گیر مشورت کرد، خدا اجازه داد سموئیل ظاهر شود. (۸۲ : ۷- ۴۱)

ث- سموئیل به شائول یاد آوری کرد که سلطنت به داوود سپرده خواهد شد و گفت که شائول و پسران اش روز بعد در نبرد کشته خواهند شد. (۸۲ : ۵۱- ۹۱)

ج- وقتی که وفاداری داوود زیر سوال رفت، او از نبرد کنار گذاشته شد. (۹۲ : ۱ - ۱۱)

چ- با برگشتن به صقلغ، داوود و مردان اش گریستند زیرا شهر به وسیله عمالیقی ها سوخته بود، و خانواده های ایشان اسیر شده بودند. (۵ - ۱ : ۰۳)



ح- داوود خود اش را در خداوند تشویق کرد و به جستجوی هدایت خدا پرداخت. (۳۰ : ۸ - ۶)

خ- با وعده پیروزی خدا، ارتش داوود به تعقیب عمالیقی ها پرداخت. (۰۳ : ۸ - ۶۱)

۳- نقطه اوج داستان

داوود و مردان اش دشمن را مغلوب کردند و خانواده های شان را نجات دادند چون ایشان برای پیروزی به خدا چشم دوختند! (۰۳ : ۷۱ - ۸۱)

۴- نتیجه

که عمالیقی ها دزدیده بودند، برگردانده شد. (۰۳ : ۹۱)



تقلا (بچه نجات یافته):

پیروزی بر مشکلات به خدا نگاه کن. (دوم تیموتائوس ۱ : ۷)



دعوت (بچه نجات نیافته):

به عیسی خداوند ایمان بیاور و نجات را دریافت کن.

(اعمال ۶۱ : ۱۳)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: دوم تیموتائوس ۱: ۷

" زیرا خدا روح جبن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تادیب را."

مقدمه:

وقتی که به خدا فکر می کنید به چه کلماتی می اندیشید؟ (زیر کلمه خدا، کلمات عظیم، آفریننده، مقدس، پدر، ... را بنویسید.)
وقتی که درباره کلمه ترس فکر می کنید، به چه چیزی می اندیشید؟ (زیر کلمه ترس، کلمات طوفان ها، سیل، مرگ، بیماری، تنها بودن، پذیرفته نشدن، ... را بنویسید.)
کدام بزرگ تر است؟ خدا، یا چیزهایی که ما از آنها می ترسیم؟

معرفی

آیه را مستقیم از روی کتاب مقدس تان بخوانید تا نشان دهید که ان از کلام خداست.

(آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید- یا اجازه دهید بچه بزرگ تری آن را بخواند- بعد اجازه دهید بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند.)

توضیح:

" زیرا خدا روح جبن را به ما نداده است"- خدای آفریننده به انسان ترس (احساس نگرانی از چیزی که ممکن است اتفاق بیافتد) نمی دهد. اگر کسی چنین ترسی دارد، این ترس از خدا نیست. خدا نمی خواهد ما بترسیم - او می خواهد ما به او توکل کنیم.
" بلکه روح قوت" - در عوض، خدا قوت و توانایی می دهد.
" و محبت" - خدا توجه و مهربانی خود را به ما می دهد.
" و تادیب را" - او روح پرهیز کاری را به ما می دهد.

کاربرد:

اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، خدا نمی خواهد که شما از آنچه که ممکن است اتفاق بیافتد بترسید یا نگران باشید. به جای این که وحشت زده شوید شما می توانید برای داشتن فکر آسوده و دل آرام به خدا توکل کنید. او می تواند این کار را انجام دهد، چون او در درون شما زندگی می کند و قادر مطلق است.
نجات نیافتگان: شما نمی توانید با ترس های تان به خدا توکل کنید تا وقتی که به عیسی به عنوان نجات دهنده تان از گناه ایمان آورید. شما امروز در ادامه کلاس فرصتی خواهید داشت تا به عیسی ایمان آورید.

تکرار: آیه را مرتب کنید.

(کلمات آیه را روی کارت ها بنویسید. اجازه دهید بچه ها کارت ها را در هم و نامرتب نگه دارند. داوطلبی را انتخاب کنید تا آنها را مرتب کند. هر بار

که کارت ها را مرتب می کنید، آیه را تکرار کنید.)
به عنوان یک تنوع، زمانی را که هر یک از بچه ها صرف می کنند مشخص کنید. ببینید چه کسی می تواند سریع تر انجام دهد.

درس

مقدمه

آیا تا به حال ترسیده اید؟ چه چیزی باعث می شود بترسید؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.) وقتی که می ترسید چه کاری انجام می دهید؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.)
بعضی وقت ها ترس باعث می شود که ما کارهای عجیب یا حتی خطرناک انجام دهیم. افراد بالغ نیز می توانند بترسند. بیایید تا ببینیم که چه اتفاقی برای یک پادشاه و سربازان اش افتاد، زمانی که ایشان اجازه دادند ترس، اعمال شان را کنترل کند.

پیشرفت وقایع

(تصویر داوود، ۱۸- دی را نصب کنید.)

یک روز به دست شائول کشته می شوم. من باید به سرزمین فلسطینیان فرار کنم. شائول هرگز در آنجا به جستجوی من نخواهد آمد. بالاخره در آنجا در امان خواهم بود!

این افکار می باید به سرعت به ذهن داوود آمده بود، مادامی که او پنهان شدن اش از شائول پادشاه در اسرائیل ادامه می داد. ترس داوود از شائول امید اش را ربهوده بود. به نظر می رسد که او وعده خدا را فراموش کرده بود. وعده خدا این بود که داوود روزی پادشاه خواهد شد. او فراموش کرده بود که خدا برای او اهمیت قائل بود. داوود بدون این که از خدا بپرسد چه کاری باید انجام دهد، تصمیم گرفت نقشه خودش را عملی کند.

(تصویر مردان، زنان و بچه ها، ۳۸- ۲۸- دی را نصب کنید.)

او ۶۰۰ مرد و خانواده های شان را برداشت و به سرزمین فلسطینیان - دشمنان قوم خدا سفر کرد. او به شهر جت، شهر جلیات رفت و با اخیش پادشاه صحبت کرد. داوود وانمود کرد که بر علیه شائول برخاسته است و حالا می خواهد به فلسطینی ها کمک کند. اخیش پادشاه سخنان داوود را باور کرد و فکر کرد داوود برای ارتش فلسطینی ها بسیار با ارزش خواهد بود. اخیش پادشاه شهر صقلغ را به داوود و مردان اش به عنوان منزل شان داد. وقتی داوود و خانواده ها در شهر مستقر شدند، داوود می باید احساس آسودگی کرده بود. او نهایتاً در امنیت قرار گرفته بود. همه چیز به خوبی پیش می رفت. اما، او از اراده خدا برای زندگی اش پیروی نمی کرد و به زودی گرفتاری ها شروع شد.

(تصویر زنان و بچه ها، ۸۳- دی را بردارید.)

برای این که اخیش پادشاه باور کند که داوود واقعا طرفدار فلسطینی ها است، داوود می باید وفاداری خود را به اخیش پادشاه ثابت می کرد. برای این منظور داوود و مردان اش به چند دشمن کوچک تر حمله کردند.

پیش زمینه

سالها از زمانی که داوود بوسیله ی سموئیل نبی مسح شده بود تا پادشاه اسرائیل بشود، می گذشت. چون شاول پادشاه نسبت به داوود حسادت می کرد و سعی می کرد او را بکشد، داوود پنهان شده بود.
در آخرین درس دوره ی " داوود مردی به دنبال اراده ی خدا " آموختیم با این که داوود فرصت داشت تا به شائول ضربه بزند اما جان شاول پادشاه را بخشید. داوود همچنان در انتظار وقت مناسب خدا بود تا او را پادشاه تمام اسرائیل نماید.

۱-۱ ceflo

نقشه ای را نشان دهید و جت را بر روی آن مشخص کنید.

۱-۲ ceflo

داوود، کسی که می باید پادشاه بعدی اسرائیل می شد، به اخیش پادشاه گفت که بع اسرائیل حمله کرده بود و به این ترتیب به دروغ اش اضافه نمود. اخیش پادشاه دروغ ها را باور کرد و به داوود بیشتر و بیشتر اعتماد کرد. (تصویر مردان ۲۸- دی را بردارید. تصویر اخیش پادشاه، ۴۸- دی را نصب کنید.)

یک روز پادشاه داوود را به نزد خود خواند. او به نحو مخصوصی هیجان زده به نظر می رسید. او به داوود گفت که ارتش فلسطینی ها نقشه حمله به اسرائیل را طرح می کنند. بعد اخیش پادشاه مشتاقانه به داوود گفت: البته، تو و مردان تو به همراه ما در نبرد شرکت خواهید کرد.

دل داوود فرو ریخت. او چه کرده بود؟ ترس و دروغ های اش او را در موقعیت بسیار دشواری قرار داده بود. از او توقع می رفت که برود و بر علیه قوم خود اش بجنگد.

وقتی که داوود فکر کرد باید بر علیه شائول و بهترین دوست اش یوناتان بجنگد، احساس بسیار بدی داشت! داوود به جای این که به خدا توکل کند، از اراده خدا غافل شد و اجازه داد ترس تصمیمات اش را هدایت کند و او را

آیا بعضی وقت ها اجازه می دهید که ترس تصمیمات شما را کنترل کند؟ اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورده اید، خدا می خواهد که برای پیروزی بر مشکلات به او نگاه کنید. وقتی که ترس شما را کنترل می کند، اوضاع بد، بدتر می شود! ترس، نگران بودن از اتفاقات در حال وقوع یا اتفاقاتی که ممکن است واقع شود می باشد. همگی ما بارها ترسیده ایم. (مثال های داده شده را در مقدمه مرور کنید.) آیا افکار ترس آلود از خدا می آید؟ نه! این افکار از دشمن شما، شیطان می آید. شیطان می داند اگر شما به جای توکل به خدا به خودتان توکل کنید ممکن است برای حل مشکلات دروغ بگویید یا کارهای گناه آلود دیگری انجام دهید. برای مثال ممکن است شما دروغ بگویید و به مادران بگویید که مریض هستید، چون می ترسید که در یک امتحان در مدرسه موفق نشوید. داشتن یک فکر ترس آلود گناه نیست. اما اگر اجازه دهید که افکار ترس آلود اعمال تان را کنترل کند، شما دیگر به خدا توکل نمی کنید و با این کار گناه می کنید. اراده خدا هرگز بر این قرار ندارد که شما به وسیله ترس کنترل شوید. آیه حفظی ما چه می گوید؟ (دوم تیموتائوس ۱: ۷ را با هم تکرار کنید.) وقتی که به خدا نگاه کنید او می تواند شما را در مشکلات تان پیروز گرداند. با اجازه دادن به ترس در هدایت تصمیمات تان مغلوب نشوید.



کارت تعلیم

کارت با تعلیم اصلی را نشان دهید: برای پیروزی بر مشکلات به خدا پشم بدوزید. ۸- کلمه ی ترس را دوباره نشان دهید.

تصمیمات داوود به وسیله ترس هدایت می شد و حالا او بیش از همیشه ترسیده بود!

چطور او می توانست به جنگ بر علیه قوم خود اش برود؟ او سخت کار کرده بود تا اعتماد اخیش پادشاه را به دست آورد. پس حالا او چطور می توانست از رفتن خود داری کند؟ داوود مغلوب شده بود. او نمی توانست

راهی جز موافقت در رفتن با آنها ببیند. آنها در حدود ۵۵ مایل به سوی شمال رژه رفتند تا به محل نبرد برسند. در طول مسیر وانمود کردن به هیجان زده بودن برای نبرد قریب الوقوع می باید برای داوود بسیار سخت می بود. (تصویر مردان، ۸۲- دی و شائول و ارتش اش ۸۶- ۵۸- دی را نصب کنید.)

بالاخره ارتش فلسطینیان به مقصد رسید و در شهر شونیم اردو زد. شائول پادشاه نیز ارتش اسرائیل را جمع کرد و در نزدیکی شهر جلبوع اردو زد. اما وقتی که شائول به ارتش فلسطینی ها نگاه کرد که خودشان را برای نبرد آماده می کردند، دل اش مملو از ترس شد. فکر می کنید چرا او ترسیده بود؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.)

او برای مدت طولانی از خدا سرپیچی می کرد. او اهمیت نمی داد که اراده خدا را برای خود و قوم اش بداند یا از آن پیروی کند. اما حالا که او این ارتش را در آن طرف دره می دید، می دانست که به کمک خدا نیاز داشت. شائول پادشاه از خداوند پرسید که چه باید بکند، اما خدا به او پاسخ نداد. گناه

کارت با کلمه ی " ترس " را دوباره نشان دهید.

بچه های پیش دبستانی لذت می برند که پتویی را بر روی میز بزرگی قرار دهند و زیر آن بر روی دستها و زانوهایشان راه بروند. همچنین ایشان می توانند وانمود کنند که ناهار کوچکی را خورده و دعا می کنند که خدا به ایشان کمک نماید.



اشعیا ۹۵: ۲ " لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشود. "

آیا می دانید که گناه شما نیز بین شما و خدا می ایستد؟ گناه هر چیزی است که شما می گوئید، انجام می دهید یا فکر می کنید که مخالف شریعت خداست. شما و من با خواست انجام کارهای گناه آلود به دنیا آمده ایم. کتاب مقدس می گوید: " همه گناه کرده اند " (رومیان ۳: ۳۲).

اما خدا مقدس است، او در هر چیزی عالی است. جایی که خدا هست، هیچ گناهی نمی تواند باشد، پس مجازات گناه این است که برای همیشه از خدا جدا شود.

عیسی خداوند، پسر عالی خدا گفت: " من راه و راستی و حیات هستم. " (یوحنا ۱۴: ۶) عیسی تمام جلال آسمان را ترک کرد و بر روی زمین آمد. او بزرگ شد و یک زندگی بدون گناه را زیست. وقتی که او بر روی صلیب مرد او را غبانه مجازات گناه شما را برداشت. کتاب مقدس می گوید: " لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از این که هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد. " (رومیان ۵: ۸)

چون خدا شما را دوست دارد، او عیسی را بر روی صلیب فرستاد، خون او بر روی صلیب ریخت و او مرد تا شما دیگر از خدا جدا نشوید. خون عیسی مسیح خداوند، که بر روی صلیب داده شد، پرداخت عالی و کاملی بود که خدا برای گناهان ضروری می دانست. (عبرانیان ۹: ۲۲)

او دفن شد، بعد او دوباره زنده شد و حالا او در آسمان زنده است. شما می توانید از گناهتان توبه کنید و برگردید و با ایمان آوردن به آنچه عیسی برای شما انجام داد، نجات یابید. آنوقت گناه شما دیگر بین شما و خدا نخواهد ایستاد.

هر چند که تمرکز این درس بر رشد مسیحی قرار گرفته اما بچه های نجات نیافته در کلاس شما نیاز دارند که پیام انجیل را بشنوند. حداقل یکبار در طول ساعت کلاس بر پیام انجیل تاکید کنید.

گناه شائول پادشاه بین او و خدا ایستاد پس وقتی که شائول پرسید چه کاری باید درباره دشمن انجام دهد، خدا پاسخ نداد. بعد شائول به دوست قدیمی اش سموئیل فکر کرد. هرچند که شائول هرگز مواظب نبود که از نصایح

سموئیل به دقت پیروی کند، اما او به یاد آورد که خدا به واسطه این نبی صحبت می کرد. اما سموئیل مرده بود. شائول نا امید شد چون نمی دانست چه بکند. (تصاویر را بردارید.)

طالع بین کسی است که ادعا می کند که اتفاقات آینده را خواهد گفت.

چون شائول کاملاً توسط ترس اش کنترل می شد، کار بسیار گناه آلودی انجام داد، او از خدمتکار اش پرسید که کجا می تواند یک فالگیر پیدا کند. شائول می دانست که خدا به قوم اش گفته بود که از فالگیر ها دوری کنند. در حقیقت شائول به دقت از این حکم اطاعت می کرد. اما حالا شائول انتخاب کرد که از خدا سرپیچی کند. خدمتکار اش به او گفت که چنین زنی در کجا زندگی می کند. این زن در طرف دیگر کوهی که ایشان در آنجا اردو زده بودند، زندگی می کرد. شائول لباس مبدل پوشید و با دو تن از خدمتکاران اش در شب به جستجوی زن پرداخت. این زن جادوگری و طالع بینی می کرد. (تصویر شائول، ۸۸ - دی و جادوگر شهر عین دور، ۷۸ - دی را نصب کنید.)

۴ - ceflo۱

شائول در سایه های خانه زن نشست و از او پرسید: "تمنا این که به واسطه جن برای من فالگیری نمایی و کسی را که به تو می گویم از برایم بر آوری. زن پرسید، "از برایت که را برآورم؟" سموئیل را برای من بیاور"، شائول پاسخ داد. وقتی که به نظر می رسید زن در تمرکز عمیقی است، شائول منتظر ماند و با دقت زن عجیب را تماشا کرد. ناگهان چشمان زن درشت شد و فریاد زد! "چه می بینی؟" شائول مضطربانه پرسید.

پاسخ طالع بین را بازی کنید. با تمرکز عمیق، چشمانی گشاده فریاد بزنید و با صدایی لرزان صحبت کنید.

"مرد پیری را می بینم که ردایی پوشیده است!" او با صدایی که شبیه صدای مار بود گفت. شائول به نحوی فهمید که روحی که زن دید سموئیل بود - خدا اجازه داد تا سموئیل ظاهر شود. زن ناگهان درک کرد که مرد در لباس مبدل واقعاً شائول پادشاه بود.

شائول در حضور سموئیل تعظیم کرد. نبی با شائول صحبت کرد. "چرا مرا برآورده، مضطرب ساختی؟" او پرسید. مشکل بزرگی دارم. "شائول پاسخ داد. "فلسطینیان با من جنگ می نمایند و خدا از من دور شده، مرا نه به واسطه انبیا و نه خواب ها، دیگر جواب نمی دهد. لہذا تو را خواندم تا مرا اعلام کنی که چه باید بکنم."

سموئیل به شائول پاسخ داد، "چرا از من سوال می نمایی؟ من به تو گفتم خداوند سلطنت را از دست تو دریده، آن را به همسایه ات داوود داده است. به خاطر سرپیچی تو، فلسطینیان اسرائیل را مغلوب خواهند کرد،" سموئیل گفت.

کلمات بعدی ترس وحشتناکی در دل شائول ایجاد کرد. "فردا تو و پسران ات خواهید مرد و خداوند اردوی اسرائیل را نیز به دست فلسطینیان خواهد داد." وقتی که حضور سموئیل ناپدید شد، شائول پادشاه با تمامی قامت اش بر زمین افتاد.

۲ - ceflo۱

بچه های پیش دبستانی می توانند وانمود کنند که سربازانی می باشند که رژه می روند.

(تصاویر را بردارید. تصویر داوود، ۱۸ - دی، اخیش، ۴۸ - دی، مردان، ۲۸ - دی و سربازان ۰۹ - ۹۸ - دی را نصب کنید.)

مادامی که شائول این اخبار وحشتناک را دریافت می کرد، داوود برای بازرسی شدن توسط فرماندهان فلسطینی آماده می شد. هر گروه از سربازان برای بازرسی شدن رژه رفتند، بعد نوبت به گروه داوود رسید. وقتی که

داوود و سربازان اش رژه رفتند، به ایشان دستور داده شد که بایستند. " این اسرائیلی ها این جا چه می کنند؟" فرماندهان خواستند که بدانند. اخیش پادشاه فوراً جواب داد، " مگر این داوود، بنده شائول، پادشاه اسرائیل نیست که نزد من این روزها یا این سال ها بوده است؟ و از روزی که نزد من آمد تا امروز در او عیبی نیافتم. "

فرماندهان قانع نشدند. آنها به داوود اعتماد نداشتند. " ما می دانیم داوود کیست"، آنها با عصبانیت پاسخ دادند: "او کسی است که اسرائیلی ها او را ستایش کرده اند. او را برگردانید. اگر اجازه دهید او در جنگ با ما باشد، شاید او دشمن ما شود و ما را تسلیم دستان شائول نماید. " اخیش پادشاه خبیث کاری نمی توانست انجام دهد. او با بی میلی به داوود گفت: " من می خواهم که با سربازان من باشی، اما این سرداران فلسطینی تو را نمی خواهند. پس صبح زود تو و سربازان ات برخاسته و به شهر خویش برگردید. "

داوود و مردان اش می باید آه راحتی کشیده بودند! آنها از رفتن به جنگ با قوم خودشان نجات یافتند. خدا نسبت به داوود بسیار نیکو بود، هر چند که داوود در تمامی این مدت از خدا غافل بود. (تصویر اخیش، ۴۸- دی و سربازان، ۰۹- ۹۸- دی را نصب کنید.)

سفر برگشت به صقلغ سه روز به طول انجامید. مردان خسته و مشتاق بودند تا به خانه نزد خانه ها و خانواده هایشان باز گردند. اما وقتی که آنها به شهر نزدیک شدند، ایشان بور دود و چوب سوخته را احساس کردند. بعد آنها منظره بسیار وحشتناکی را دیدند - شهرشان نابود شده بود. (تصویر صقلغ، ۱۹- دی را نصب کنید.)

تنها انبوهی از خرابه های سوخته شده در مقابل ایشان قرار داشت. همسران و فرزندان ایشان نیز پیدا نبودند. آیا آنها مرده بودند با اسیر شده بودند؟ داوود و مزردان اش دانستند که می باید دشمن قدیمی شان عمالیقی ها بودند که شهرشان را تجاوز کرده اند. عمالیقی ها فهمیده بودند که ارتش داوود با فلسطینی ها به شمال رفته بود. داوود و مردان اش بسیار غمگین شدند، آنها با صدای بلند گریستند.

اما به زودی اندوه مردان به خشم تبدیل شد. آنها داوود را مقصر کردند. " این تقصیر داوود است!" ایشان فریاد زدند. او نمی باید اجازه می داد که تمامی مردان صقلغ را ترک کنند. هیچ کس در این جا نبود که از شهر و خانواده های ما حفاظت کند. " مردان بسیار عصبانی بودند آنها حتی صحبت کردند که با سنگسار کردن داوود، او را بکشند!

(تصویر داوود، ۱۸- دی، همراه ۲۹- دی را نصب کنید.) داوود عمیقاً پریشان بود. او نگران خانواده اش و خانواده مردان اش بود. او همچنین از عصبانیت عظیم مردان اش نسبت به خود می ترسید. اما این بار او اجازه نداد که ترس اعمال اش را کنترل کند و او را مغلوب سازد. کتاب مقدس می گوید: " از داوود خویشتن را از یهوه خدای خود تقویت نمود." داوود به جای این که تسلیم ترس شود، برای پیروزی به خدا نگاه کرد.

اجازه دهید که تمامی " سربازان " نفس راحتی بکشند.

سه انگشتان را بالا بگیرید و تا سه بشمارید.

و انمود کنید که هوا را استنشام می کنید.

بچه ها لذت می برند که نقش سربازان داوود (که گریه می کنند، داوود را متهم می نمایند، و او را تهدید به سنگسار می نمایند.) و پاسخ داوود در دعا کردن نزد خدا را بازی نمایند.

۵- ۱ ceflo

این قسمت را که در اول سمونیل ۰۳: ۶ یافت می شود مستقیماً از کتاب مقدسستان بخوانید.



کارت تعلیم

از یکی از بچه ها بخواهید که کارت تعلیم را بخواند.

دوم تیموتائوس ۱: ۷ را با هم بخوانید.

اگر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، شما نباید تسلیم ترس شوید. خدا می خواهد شما برای پیروزی بر مشکلات به او نگاه کنید. بعضی وقت ها مشکلاتی که شما با آنها روبه رو هستید، شما را در ترس غوطه ور می سازد و باعث می شود که تصمیمات اشتباهی اتخاذ کنید.

وقتی که افکار ترس آلود می آید (از موقعیت هایی که قبلاً به عنوان مثال اشاره شده است استفاده کنید)، درباره آنها با خدا صحبت کنید. از او به خاطر محبت اش تشکر کنید، و از خدا بخواهید تا به شما کمک کند که به او اعتماد کنید تا به شما پیروزی ببخشد. از خدا تشکر کنید که به شما " روح ترس را نداده است، بلکه روح قوت، محبت و تادیب " (دوم تیموتائوس ۱: ۷). وقتی که شما به او توکل می کنید او می تواند در ترس انگیز ترین موقعیت ها فکری آسوده و دلی آرام به شما بدهد. شاید او به روشی که شما فکر می کنید، مشکل شما را حل نکند، اما او همیشه آنچه را که بهترین است برای شما انجام می دهد. اگر دیگران ببینند که شما به جای تسلیم ترس شدن برای پیروزی بر مشکلات تان به خدا نگاه می کنید، نمونه بزرگی برای آنها خواهید بود.

داوود به یاد آورد که به جای این که تسلیم موقعیت هراس انگیز اش شود برای پیروزی به خدا نگاه کند. او از خدا پرسید که باید چه بکند. " آیا باید به تعقیب این دشمن بروم؟ داوود از خدا پرسید. " برو " خدا جواب داد. " تو یقیناً بر آنها غلبه خواهی کرد و اسرا را آزاد می کنی. "

(تصویر صقلغ ۱۹- دی را بردارید. تصویر داوود، ۲۹- دی و ۱۸- دی را نصب کنید.)

این همان اطمینانی بود که داوود نیاز داشت! او و مردان اش عمالیقی ها را که با غذا و نوشیدنی جشن می گرفتند، یافتند. آنها توقع نداشتند که داوود تا چند ماه بعد برگردد. ارتش داوود با عجله به آنها حمله کردند.

نقطه اوج داستان

نقطه ی اوج داستان را با قدرت بیان کنید!

وقتی که داوود و مردان اش برای پیروزی به خدا نگاه کردند، دشمن را مغلوب کردند و خانواده های شان را نجات دادند!

نتیجه

۱-۶ ceflo

(تصویر زنان و بچه ها، ۳۸- دی را نصب کنید.)
خانواده ها با شادی زیادی به صقلغ برگشتند. کتاب مقدس می گوید که ارتش داوود همه چیز (تمامی افراد و اشیا) را که عمالیقی ها دزدیده بودند، دوباره به دست آوردند. داوود فهمید که به جای سعی کردن در حل مسائل به روش خود اش چقدر نگاه کردن به خدا برای پیروزی بر مشکلات مهم است .



کارت تعلیم

به کارت تعلیم اشاره کنید.

سه قدم مشروحه را روی برگه ی بزرگی بنویسید: ۱) درباره ی ترسهای خود با خدا صحبت کنید، ۲) خدا را به خاطر محبتش شکر گویند، ۳) از خدا بخواهید تا به شما کمک کند که به او اعتماد کنید که پیروزی را به شما ببخشد.

کارت‌های بزرگ - خانه که حاوی توضیحات مشروحه می باشد را تهیه کرده و به بچه ها بدهید تا به منزل ببرند.

تقلا

این درسی است که خدا می خواهد هر یک از فرزندان اش یاد بگیرند. اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، آیا برای پیروزی بر مشکلات تان به خدا نگاه خواهید کرد؟ حتی در این هفته مشکلاتی برای روبه رو شدن وجود خواهر داشت. وقتی که این مشکلات می آیند، به خدا درباره ترس های تان بگویید. از خدا به خاطر محبت اش تشکر کنید و از او بخواهید تا به شما کمک کند که به او توکل کنید تا به شما پیروزی بخشد. آیه حفظی ما را به یاد آورید. (دوم تیموتائوس ۱: ۷) را با هم تکرار کنید.

من کارتی دارم که می توانید به منزل ببرید کلماتی بر روی این کارت نوشته شده که وقتی ترسیدید می توانید به خدا بگویید. کارت می گوید: " خدای عزیز، من به خاطر ۰ مشکلی را بنویسید (احساس ترس می کنم. متشکرم که مرا دوست داری. لطفاً به من کمک کن که به جای ترسیدن، به تو توکل کنم. من می دانم که تو می توانی این مشکل را به بهترین روش برای من حل کنی. متشکرم که به من روح ترس ندادی، بلکه روح قوت، محبت و تادیب بگ وقتی که خدا به شما پیروزی بر مشکلی را می بخشد، شما می توانید آن را با ما در میان بگذارید و ما با هم شادی می کنیم.

دعوت

شما نمی توانید در زندگی تان پیروزی داشته باشید مگر این که اول به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورید و از او بخواهید تا زندگی گناه آلودتان را تغییر دهد. اگر می دانید که گناه کرده اید و ایمان دارید که عیسی خداوند برای شما مرد و دوباره زنده شد، می توانید نجات یابید.

کتاب مقدس می گوید: " به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت. " (اعمال ۶۱: ۱۳)

این آیه به این معنی است که اگر به کاری که عیسی خداوند بر روی صلیب انجام داد تا گناه شما را ببخشد، اعتماد کنید و درک کنید که شما نمی توانید خودتان را نجات دهید، می توانید از مجازات گناه نجات یابید.

آیا امروز به او ایمان خواهید آورد؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشم های تان را ببندید. اگر مایلید که به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورید، لطفاً با نگاه کردن به من نشان دهید. (مکث کنید و متوجه جواب ها شوید.) اگر به من نگاه کردید، آیا مرا (در مکان و زمان مشخص) ملاقات خواهید کرد تا من بتوانم از روی کلام خود به شما نشان دهم که چطور می توانید نجات یابید.



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید که مسیح را بپذیرند. مطمئن شوید که به بچه ها اطلاع دهید که برای مشورت بیشتر و گفتگوی شخصی در کجا با شما ملاقات کنند. (برای آموزشهای بیشتر به مبحث " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد " مراجعه کنید. اگر موقعیت تعلیمی به شما اجازه نمی دهد که با تک تک صحبت کرده و به ایشان مشورت دهید، می توانید ایشان را به شکل گروهی ملاقات نمایید.

بازی مروری

کلاس را به دو گروه تقسیم کنید. به نوبت از تیمها سوال بپرسید. (هر تیمی می تواند جواب را با هم اتخاذ کرده و بگویند یا اینکه هر کدام از بچه ها به تنهایی درباره ی جواب فکر کنند. سعی کنید که هر بار از یکی از بچه ها سوال کنید و نسبت به نیازهای ایشان حساس باشید. بعضی بچه ها دوست ندارند که از ایشان سوال پرسیده شود، بعضی دو دل هستند که دستشان را بلند کنند، اما دوست دارند که از ایشان سوال پرسیده شود.)

یک کاسه برای هر یک از تیم ها فراهم کنید و مقداری از اشیا کوچک برای هر تیم تهیه کنید. وقتی که بچه ای به درستی به سوال پاسخ می دهد، می تواند یکی از آن اشیا را به عنوان یک سرباز درون کاسه قرار دهد. بعد از پرسیده شدن تمامی سولات تیمی که بیشترین سرباز را درون کاسه اش دارد، برنده می باشد.

سوالات مروری

- ۱- داوود به خاطر ترس اش از شائول به کجا رفت؟
به شهر جت در سرزمین فلسطینیان
- ۲- داوود چگونه سعی کرد ثابت کند که به اخیش پادشاه وفادارانه خدمت خواهد کرد؟
با حمله کردن به دشمنان دیگر ، اما گفتن اینکه به اسرائیل حمله کرده است .
- ۳- چرا وقتی که اخیش پادشاه گفت که او می خواهد داوود و مردان اش در جنگ با اسرائیلی ها به فلسطینی ها کمک کنند، داوود مضطرب شد؟
او نمی خواست بر علیه قوم خود اش مخصوصاً بر علیه شائول و یوناتان بجنگد.
- ۴- چه وقت افکار ترس الود در زندگی شما به عنوان فرزند خدا تبدیل به گناه می شود؟
به جای ترسیدن باید چه کاری انجام دهید؟
وقتی که اجازه می دهید ترس اعمالتان را کنترل کند، برای پیروزی بر مشکلات به خدا نگاه کنید.
- ۵- چون شائول از فلسطینی ها می ترسید، چه کار گناه آلودی انجام داد؟
او به نزد یک جادوگر رفت تا برای دریافت نصیحت با سموئیل تماس بگیرد.
- ۶- سموئیل چه خبر وحشتناکی به شائول داد؟
که شائول و پسر اش در نبرد کشته خواهند شد.
- ۷- خدا چطور به خاطر فیض اش داوود را از جنگیدن در نبرد آزاد کرد؟
او باعث شد که سرداران فلسطینی ها به داوود اعتماد نکنند و از او بخواهند که انجا را ترک کند.
- ۸- داوود چطور بر عمالیقی ها که شهر اش را سوزانده و خانواده اش را اسیر کرده بودند، پیروز شد؟
او برای پیروزی به خدا نگاه کرد و از هدایت هایش پیروی کرد.
- ۹- وقتی که افکار ترس آلود به ذهن شما می آید به عنوان فرزند خدا باید چه کاری انجام دهید؟
درباره ترس تان به خدا بگویید، از خدا تشکر کنید که شما را دوست دارد، از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا برای پیروزی به او توکل کنید، دوم تیموتائوس ۱ک ۷ را به یاد آورید، " زیرا خدا روح جبن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تادیب را.

۱- پیش از اینکه هر کدام از ما بتوانیم در زندگی پیروزی داشته باشیم، چه کاری باید انجام دهیم؟
به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده از گناه ایمان بیاوریم.

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

دوم سموئیل ۲: ۱-۳، ۱-۳، ۱-۳، ۱۲-۱۷، ۳۹-۴۰، ۱-۴، ۵-۷، ۱-۲۱

آیه حفظی

اول پطرس ۵: ۶ "پس زیر دست زور آور خدا فروتنی
نمایید تا شما را در وقت معین سرافراز نماید."

هدف تعلیم

بچه نجات یافته منتظر زمان خدا می باشد، و فروتنانه به
خدا توکل می کند تا اراده اش را در زندگی او به پیش ببرد.

تعلیم اصلی

منتظر خدا باش تا از تو استفاده کند.

تاکید برای نجات نیافتگان

عیسی خداوند را بخوان و نجات را دریافت کن

کمک های تصویری

-۱۰۵ ۹۲ و ۲۸-۱۸-دی

خطوط کلی درس

۱- مقدمه

پیغام رسان بدون اعلام تلو تلو خوران وارد شهر شد. وقتی که داوود آن مرد را دید از خطر آگاه شد. آن مرد
تنها می توانست خیر های بد آورده باشد.

۲- پیشرفت وقایع

الف- شائول پادشاه و یوناتان در جنگ با فلسطینی ها کشته شدند. (۱ : ۱-۴)

ب- همانطور که خدا داوود، مردان اش و خانواده های شان را هدایت کرد، ایشان به حبرون رفتند. (۲ : ۱-۳)


پ- داوود پادشاه یهودا شد، او هفت سال و نیم در یهودا سلطنت کرد. (۲ : ۴-۷، ۱۱)

ت- ابنیر، پسر شائول، ایشبوشت را پادشاه اسرائیل ساخت. (۲ : ۸-۱۰)

ث- ابنیر عصبانی شد و ایشبوشت را ترک کرد تا به نیروهای داوود بپیوندد. (۳ : ۱-۲۱)

ج- ابنیر به قبایل اسرائیل اصرار کرد تا داوود را پادشاه خود گردانند. (۳ : ۷۱-۹۱)

ج- ابنیر و داوود عهد صلحی ما بین یکدیگر بستند. (۳ : ۰۲ - ۱۲)

ح- یوآب به خاطر حسادت و انتقام، ابنیر را کشت. (۳ : ۲۲ - ۰۳) 

خ- داوود و قوم برای ابنیر سوگواری کردند. (۳ : ۲۲ - ۰۳)

د- ایشبوشت توسط مردان خویش به قتل رسید، و راه برای پادشاه شدن داوود در اسرائیل شد. (۴ : ۱ - ۷)

۳- نقطه اوج داستان

در زمان عالی خدا، بالاخره داوود پادشاه تمامی اسرائیل شد! (۵ : ۱ - ۵)

۴- نتیجه

داوود شهر اورشلیم را فتح کرده و پایتخت خود را آنجا بنا نمود. (۵ : ۶ - ۲۱)

 **تقلا (بچه نجات یافته):**

منتظر خدا باش تا او از تو استفاده کند. (اول پطرس ۵ : ۶)

 **دعوت (بچه نجات نیافته):**

عیسی خداوند را بخوان و نجات را دریافت کن. (رومیان ۱ : ۳۱)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: اول پطرس ۵: ۶

" پس زیر دست روز آور خدا فروتنی نمایید تا شما را در وقت معین سرافراز نماید. "

مقدمه:

آیا هرگز خسته شده اید از این که منتظر خدا بمانید تا در زندگی شما کار کند؟

به جای این که منتظر زمان صحیح خدا باشید تا او به نحو مخصوصی از شما استفاده کند، شما سعی می کنید تا امور را برای خودتان به پیش ببرید. حتی شاید شما به خودتان می بالید که چقدر خوب کاری را انجام می دهید. آیه امروز ما به ما یاد آوری می کند که منتظر ماندن برای زمان صحیح خدا مهم است.

معرفی:

(آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید- یا اجازه دهید بچه بزرگ تری این کار را انجام دهد- بعد اجازه دهید بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند.)

توضیح:

" پس زیر دست زور آور خدا فروتنی نمایید"- خودتان را آنطور ببینید که خدا شما را می بیند و تسلیم شوید، یا تسلیم فرمانروایی خدا در زندگی تان شوید.

" تا شما را در وقت معین سرافراز کند"- وقتی که خودتان را فروتن می کنید و اجازه می دهید که خدا سلطنت کند، او به شما پاداش می دهد یا شما را ترقی می بخشد. این اتفاق چه وقت واقع می شود؟ در زمان نیکوی خدا.

کاربرد:

نجات یافتگان: اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان از گناه خوانده اید، این یک فرمان برای شما است. شما باید فروتن باشید و فرمانروایی خدا در زندگی تان را بپذیرید. خدا به شما و والدین، قیم ها و معلمان را داد تا در هدایت شما کمک کنند. صبور باشید و او شما را در وقت خودش ترقی خواهد بخشید و پاداش خواهد داد.

نجات نیافتگان: خدا نمی تواند به شما کمک کند که فروتن باشید تا وقتی که شما عیسی خداوند را بخوانید تا شما را نجات دهد. با دقت به داستان کتاب مقدس ما گوش دهید تا بشنوید که چطور می توانید برای نجات او را بخوانید.

تکرار:

اجازه دهید کسانی که جوراب پوشیده اند بایستند و آیه را بگویند کسانی که صبحانه خورده اند... کسانی که فوتبال را دوست دارند و غیره. با

ترتیبی دهید تا یکی از بچه ها وانمود کنند که با بی صبری انتظار می کشد، به ساعتش نگاه می کند، اخم می کند (ابرو در هم می کشد) دستهایش را به دور خود حلقه می زند یا با دست بر پایش می کوبد و دوباره به ساعت خود نگاه می کند.

مطمئن شوید که آیه ی نمایشی را حتی برای بچه های کوچکتر بکار ببرید.

انتخاب موضوعات متنوع چنرین بار بازی کنید. بازی را از یک مقوله به مقوله بعدی ادامه دهید، اما مطمئن شوید که بچه ها هر بار آیه را می گویند.

درس

مقدمه

(تصویر داوود و مردان اش، ۲۸- ۱۸- دی و پیغام رسان، ۳۹- دی را نصب کنید.)

ceflo ۲-۱

پیغام رسان بدون اعلام تلو تلو خوران وارد شهر شد. همگی در تعجب به قیافه اش خیره شدند. او بسیار خسته به نظر می رسید. لباس های او پاره شده بود. خاک و چرک سرش را پوشانیده بود و موهای سر او و ریش هایش بسیار کثیف بود. وقتی که داوود این مرد را دید، از خطر آگاه شد. در فرهنگ او ف یک پیغام رسان با چنین قیافه ای تنها می توانست حامل خبرهای بد باشد. وقتی که داوود به مرد غریبه نزدیک شد تا خبرها را بشنود، مردم به دور آنها جمع شدند.

این صحنه می تواند توسط یکی از بچه ها نقش آفرینی شود.

پیشرفت وقایع

داوود با مردان اش و خانواده هایشان سه روز قبل به شهر ویران خویش صقلع، برگشته بودند. به رغم خرابی های عمالیقی های متجاوز، این روزها، روزهای عالی تجدید دیدار شادی آفرین بود. خدا ارتش داوود را در مقابل دشمن پیروز کرده بود. اما اکنون جشن متوقف شد و تمام چشم ها به پیغام رسانی دوخته شد که تازه وارد شهر شده بود. مرد در مقابل داوود تعظیم کرد. " از کجا آمده ای؟" داوود پرسید. " من از سپاه شائول گریخته ام"، مرد پاسخ داد. داوود می دانست از ط زمانی که او و مردان اش اخیش پادشاه را ترک کردند، ارتش شائول در جنگ با فلسطینیان بود. او تقریباً از شنیدن پاسخ سوال بعدی اش می ترسید، اما او باید می پرسید، " اوضاع آنجا چطور بود؟" پیغام رسان با اندوه سر خود را تکان داد و پاسخ داد، " سربازان اسرائیلی نبرد را رها کرده و فرار نمودند. سربازان زیادی کشته شدند. شائول مرده است. یوناتان نیز مرده است. " این خبری بود که داوود از شنیدن اش می ترسید. مطابق رسم شان در زمان های مصیبت عظیم، داوود و مردان اش لباس هایشان را چاک دادند و برای شائول و یوناتان گریستند. آنها تا هنگام شام روزه گرفتند (از خوردن خودداری کردند) و به خاطر فقدان عظیم شان عزاداری کردند. اکنون که شائول مرده بود، چه کسی اسرائیل را رهبری می کرد؟ داوود می دانست که او پادشاه بعدی خواهد بود زیرا خدا به او چنین گفته بود. آیا او می باید ارتش اسرائیل را جمع می کرد و خودش را پادشاه اعلام می کرد؟ او برای به تحقق رسیدن وعده خدا زمان بسیار طولانی منتظر مانده بود.

باری داوود بسیار آسان بود که صبر خویش را از دست بدهد، و بیشتر از این منتظر زمان درست خدا برای پیش بردن اراده اش در زندگی داوود نباشد.



کارت تعلیم

کارت با تعلیم اصلی را نشان دهید: منتظر خدا باشید تا از شما استفاده نماید.

آیا گاهی بی صبر می شوید که منتظر خدا باشید تا در زندگی شما کار کند؟ شاید بعضی وقت ها به نظر آید که همه چیز را درباره شما فراموش کرده است. اما می توانید مطمئن باشید که او هیچ چیز را درباره شما فراموش نمی کند!

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود خوانده اید، شما نیاز دارید که منتظر خدا باشید تا از شما استفاده کند. شاید احساس می کنید که خدا استعداد یا توانایی به شما داده تا کار مخصوصی را انجام دهید. شاید می خواهید که نماینده کلاستان، کاپیتان تیم تان یا رهبر باشگاهتان شوید. شاید می خواهید که یک جایزه مخصوص یا رقابتی را فتح کنید. اگر شما در انتظار کشیدن برای وقت صحیح خدا صبور نباشید شاید تصمیم بگیرید که کارها را خودتان به پیش ببرید. بعضی از پسرها و دخترها، وقتی که کارها به روش ایشان پیش نمی رود، می نالند یا شکایت می کنند. بعضی ها مردم را فریب می دهند یا تهدید می کنند تا آنچه را که می خواهند به دست آورند. شاید شما به این روش، نتایجی کسب کنید، اما شما به خدا توکل نمی کنید تا اراده اش را به پیش ببرد و دیر یا زود شکست خواهید خورد.

(اول پطرس ۵: ۶ را با هم تکرار کنید.) وقتی که خودتان را فروتن می سازید و منتظر می شوید، خدا شما را سرافراز می کند یا ترقی می بخشد تا باعث جلال و احترام او شوید. بی صبر نباشید. منتظر خدا باشید تا در زندگی شما کار کند!

برای داوود آسان بود تا بی صبر شود و منتظر خدا نباشد که اراده اش را در زندگیش به پیش ببرد. اما داوود درس های بسیار سختی را آموخته بود.

(تصاویر را بردارید. تصویر داوود، ۲۹- دی را نصب کنید.)

داوود به جای این که با عجله سلطنت را به دست گیرد، خیلی حکیمانه و فروتنانه در دعا با خدا صحبت کرد. "آیا به یکی از شهر های یهودا برآیم؟" او از خداوند پرسید. (شهر های یهودا قسمت جنوبی پادشاهی اسرائیل بود.) خدا به داوود پاسخ داد، "برخیز. به حبرون برو."

(تصویر داوود، ۲۹- دی را با ۴۹- دی تعویض کنید. تصویر مردان، زنان و بچه ها، ۷۹- ۵۹- دی را نصب کنید.)

داوود با آگاهی داشتن از دستود روشن خدا، خانواده اش، مردان اش و خانواده های ایشان را برداشت و شهر صقلغ در سرزمین فلسطینیان، را ترک کرد. آنها به وطن شان اسرائیل، به حبرون و شهر های اطراف آن رفتند. نهایتاً در خانه بودن بسیار نیکو بود.

(تصویر داوود، ۴۹- دی را با ۸۹- دی تعویض کنید.)

زمان زیادی از استقرار ایشان در حبرون نگذشته بود که رهبران یهودا به نزد داوود آمدند و او را به عنوان پادشاه خویش مسح کردند! بالاخره داوود تاج و ردای سلطنتی را پوشید. اما این دقیقاً چیزی نبود که خدا وعده داده بود. یهودا تنها قسمتی از اسرائیل بود. خدا قوم اسرائیل را به دوازده قبیله یا گروه های خانوادگی متفاوت تقسیم کرده بود.

پس یازده قبیله دیگر چه؟ آنها به مراسم مسح نمودن داوود نپیوستند. او اکنون

۲-۲ ceflo

بچه های پیش دبستای لذت می برند که فروتنانه به همراه شما زانو بزنند.

۲-۳ ceflo

تنها پادشاه یک قبیله در انتهای جنوبی پادشاهی بود. خدا وعده داده بود که داوود، پادشاه تمامی اسرائیل خواهد بود. آیا داوود نق نق زد یا شکایت کرد؟ آیا او سعی کرد که بقیه قبیله ها را مجبور کند تا او را به عنوان پادشاه بپذیرند؟ نه! داوود فروتنانه منتظر خدا شد. او می دانست وقتی که زمان صحیح خدا فرا برسد، خدا به وعده اش وفا خواهد نمود.
(تصاویر را بردارید.)

در اسرائیل، ابنیر، سردار ارتش شائول، شنید که داوود پادشاه یهودا شده است. ابنیر هنوز احساس عمیقی در پیروی کردن از خانواده شائول داشت. ابنیر مخالف پادشاه شدن هر شخص دیگری بود، حالا که شائول و یوناتان مرده بودند، ابنیر تصمیم گرفت که جوان ترین پسر شائول، ایشبوشت را پادشاه اسرائیل سازد.

(تصویر ایشبوشت، -۱۰۰ دی را نصب کنید.)

این تصمیم قوم را تقسیم نمود. یک گروه طرفدار داوود بودند و بقیه طرفدار پسر شائول. این مطلب باعث جنگ بسیار بدی بین قبیله یهودا و بقیه قبایل اسرائیل شد. وقتی که قوم خدا بر علیه یکدیگر جنگیدند، بسیاری از مردان، جان شان را از دست دادند.

در یکی از نبردهای شدید ابنیر برادر جوان یوآب، سردار ارتش داوود را کشت.

ایشبوشت پادشاه قدرتمندی نبود. در حقیقت ابنیر کسی بود که بیشتر تصمیمات را اتخاذ می کرد. یک روز وقتی که ایشبوشت ابنیر را متهم کرد که طرح ابنیر طرح به دست گرفتن سلطنت را دارد، یک بحث جدی بین ایشان صورت گرفت.

ابنیر با عصبانیت به پادشاه گفت: "از این به بعد توقع نداشته باش که من کار دیگری برای تو انجام دهم. از این به بعد، من با داوود هستم. من شاهد خواهم بود که او سلطنتی را که خدا به او وعده داده است، خواهد گرفت."
ابنیر با عصبانیت رفت تا هرگز دوباره ایشبوشت را نبیند.

(تصاویر را بردارید. تصویر ابنیر، ۹۹- دی و رهبران، -۱۰۱ دی را نصب کنید.)

ابنیر فوراً نقشه اش را عملی کرد. او شروع به ملاقات کردن با رهبران قبایل اسرائیل نمود و آنها را تشویق کرد تا به داوود بپیوندند. ابنیر بسیار مطمئن و مصمم بود چون به آنها گفت: "قبل از این داوود را می طلبید تا بر شما پادشاهی کند. پس الان این نامه را به انجام برسانید زیرا خداوند درباره داوود گفته است که به وسیله بنده خود، داوود قوم خویش، اسرائیل را از دست فلسطینیان و از دست جمیع دشمنان ایشان نجات خواهد داد."

از آنجا که هنوز فلسطینی ها، دشمن اسرائیل محسوب می شدند، سخنان ابنیر باعث شد که قوم به فکر فرو روند. به زودی قبایل با ابنیر موافقت کردند.

(تصویر رهبران، -۱۰۱ دی را بردارید. تصویر داوود، ۸۹- دی را نصب کنید.)

بعد ابنیر رفت به حبرون تا با داوود ملاقات کند. ابنیر در مهمانی یزرگی که داوود برای او ترتیب داده بود، عهدهای با داوود بست. "من برخاسته، خواهم

رفت و تمامی اسرائیل را نزد آقای خود، پادشاه جمع خواهم آورد تا با تو عهر ببندند و به هر انجا دلت می خواهد، سلطنت نمایی. " (تصویر ابنیر، ۹۹- دی را بردارید.)

وقتی که ابنیر رفت، او و داوود دوست شده بودند. داوود می باید درباره آنچه که ابنیر گفته بود بسیار اندیشیده بود، اما چطور می توانست امکان پذیر باشد؟ ایشبوشت هنوز در اسرائیل پادشاه بود. او پسر شائول بود و داوود هرگز به او حمله نمی کرد. او می باید به انتظارش برای نقشه عالی خدا ادامه می داد. (تصویر یوآب، ۱۰۲- دی را نصب کنید.)

۲-۳ ceflo

خیلی زود بعد از این که سردار داوود، یوآب، از راه رسید. او در یک جنگ بود اما او فهمید که ابنیر آنجا بوده تا با داوود ملاقات کند و این که آنها جشن گرفته بودند و با یکدیگر دوست شده بودند. این مطلب، یوآب را بسیار عصبانی کرد. او احتمالاً حسادت می کرد و کمی میز نگران بود که شاید ابنیر مقام او را به عنوان سردار داوود تصاحب کند. او همچنین هنوز از ابنیر عصبانی بود چون ابنیر برادرش را در جنگ کشته بود. "چه کردی؟" یوآب با عصبانیت از داوود پرسید. "اینک ابنیر نزد تو آمد. چرا او را رخصت دادی و رفت؟ ابنیر را می دانی که او آمد تا تو را فریب دهد و خروج و دخول تو را بداند و هر کاری را که می کنی، دریافت کند." (تصویر یوآب، ۱۰۲- دی را بردارید.)

سردار خشمگین برگشت و داوود را ترک کرد. بدون اطلاع داوود، یوآب پیغام رسانانی فرستاد تا ابنیر را بیابند و او را برگردانند. وقتی که ابنیر به حبرون برگشت، یوآب ژنرال ساده دل را از جاده اصلی به منطقه آرام و خلوتی برد. یوآب در انجا ابنی را کشت، حسادت گناه آلود و تمایل به انتقام، افکار یوآب را کنترل کرد و او تبدیل به یک قاتل شد. این همان قدرت وحشتناکی است که گناه می تواند بر ذهن و اعمال یک شخص داشته باشد.



مطمئن شوید که برای تاکید کردن بر تعلیم انجیل زمانی را اختصاص دهید. برای این کار از داستان ها، سرودها یا شهادتها سود ببرید.

آیا می دانستید که شما نیز تحت کنترل گناه به دنیا آمدید؟ کلام خدا می گوید: "همه گناه کرده اند." (رومیان ۳: ۳۲) قدرت گناه عظیم است و اگر شما کمک خدا را نداشته باشید، گناه می تواند کنترل ذهن و اعمال تان را به دست گیرد و باعث شود که شما شریعت خدا را به راه های گوناگونی بشکنید. وقتی که شما درباره کسی فکر های ظالمانه می کنید یا به شخصی، حرف های آزار دهنده می زنید، یا با عصبانیت کسی را می زنید، شما گناه می کنید. خدا به این نحو عمل نمی کند، خدا مقدس است. او کاملاً بدون گناه است. خدا از گناه شما متنفر است زیرا گناه شما را از خدا جدا می سازد. اما خدا به خاطر محبت اش به شما راهی ساخت تا امکان بخشش گناه شما فراهم شود.

پسر عالی خدا، عیسی مسیح آمد و بر روی صلیب مرد. او می توانست مجازات درد ناک گناه شما را بردارد و چون او هرگز کار اشتباهی انجام نداده بود، او خون خودش را داد تا بهای کارهای اشتباهی را که شما انجام داده بودید، بپردازد. کتاب مقدس می گوئی: "و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد" (اول یوحنا ۱: ۷)

عیسی خودش را داد. مواظب باشید که توضیح ریختن خون مسیح را با دقت بیان کنید. دادن در اینجا به معنای اهدای خون نمی باشد بلکه دادن خون بر روی صلیب و مردن در آنجا می باشد.

بعد از مرگ او بر روی صلیب، بدن عیسی در یک قبر نهاده شد، اما سه روز بعد او از مردگان زنده شد و ثابت کرد که خدا پرداخت او را برای گناه قبول کرده است. شما می توانید با خواندن عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان از قدرت گناه که زیر کنترل آن به دنیا آمده اید، آزاد شوید. گناه دیگر نباید ذهن و اعمال تان را کنترل کند.

ذهن یوآب به وسیله گناهان حسادت و انتقام کنترل می شد و او با کشتن ابنیر به یک قاتل تبدیل شد. وقتی که داوود از مرگ ابنیر مطلع شد بسیار غمگین گشت. او و قوم بسیار اندوهگین شدند و ابنیر را در حیرون دفن کردند. بعد از مدت کوتاهی، داوود دوباره عزادار شد. ایشبوشت پادشاه به وسیله دو تن از سرباطان خودش کشته شد. داوود به خاطر فقدان آخرین پسر شائول عزادار شد.

(تصویر مردم، ۷۹-۵۹- دی را نصب کنید.)

بعد از این که ایشبوشت مرد، مردم از هر قبیله اسرائیل به حیرون آمدند. " ما به تو اعتماد کامل داریم، داوود"، آنها گفتند. " حتی وقتی که شائول پادشاه بود این تو بودی که اسرائیل را رهبری می کردی." آنها خواستند که داوود پادشاه تمامی اسرائیل شود. هفت شال و نیم بعد از مرگ شائول، بالاخره زمان موعود فرا رسیده بود. وقتی که سموئیل برای اولین بار به داوود گفت که او پادشاه خواهد شد، داوود تنها یک پسر جوان بود. حالا او سی ساله بود. داوود فروتنانه زمان زیادی منتظر ماند و به خدا اعتماد کرد تا اراده اش را در زندگیش به پیش ببرد.

ceflo ۲-۶

شاید زمان زیادی طول بکشد، اما وقتی که شما فروتنانه منتظر خدا می شوید و به او توکل می کنید، او اراده اش را برای شما نیز به پیش می برد. اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان خوانده اید، شما نیاز دارید که منتظر خدا باشید تا از شما استفاده کند. در برابر اصرار به این که عجله کنید و خودتان کارها را به پیش ببرید، مقاومت کنید. آنچه را که آیه امردن به ما می گوید به یاد آورید. (اول پطرس ۵: ۶ را با هم تکرار کنید.) به جای این که سعی کنید دیگران را تحت تاثیر قرار دهید که فرد خوبی هستید، آنطور که خدا شما را می بیند صادقانه خودتان را ببینید. به خدا گوش دهید و به او توکل کنید.

وقتی که شما این کار را انجام می دهید، خدا به شما وعده می دهد که شما را در زمان عالی خود سرفراز خواهد کرد. (ترقی خواهد بخشید یا پاداش خواهد داد.) اجازه دهید خدا تصمیم بگیرد که چه وقت کاپیتان تیم یا نماینده کلاس شود و یا این که آیا برای شما نیکو است که کاپیتان تیم یا نماینده کلاس شوید. اجازه دهید که خدا تصمیم بگیرد که چه وقت و چطور جایزه ای دریافت کنید یا در رقابتی برنده شوید. وقتی که به خدا توکل می کنید تا کار کند و فروتنانه انتظار می کشید، خدا راجال خواهد داد زیرا دیگران متوجه این مطلب می شوند. از خدا بخواهید تا به شما صبر دهد و به شما کمک کند تا فروتن باشید.



کارت تعلیم

به کارت با تعلیم اطلی اشاده کنید.

از او تشکر کنید که او در زندگی شما کار می کند و این که شما می توانید او را جلال دهید. شاید زمان زیادی طول بکشد، اما مادامی که شما فروتنانه صبر می کنید و به خدا توکل می کنید او اراده اش را در زندگی شما به پیش خواهد برد.

داوود زمان زیادی انتظار کشید تا خدا اراده اش را در زندگی داوود به پیش ببرد.

(تصویر داوود، ۸۹- دی را با ۱۰۳- دی تعویض کنید. تصویر کاهن و شاخ، ۱۰۵- ۱۰۴ دی را نصب کنید.)
وقتی که بزرگان اسرائیل جمع شدند، داوود زانو زد و با روغن برای سومین بار مسح شد!

نقطه اوج داستان

در زمان عالی خدا، داوود نهایتاً پادشاه تمامی اسرائیل شد.

نتیجه

قوم شادی کردند! آنها به افتخار پادشاه جدید شان برای سه روز جشن گرفتند و مهمانی دادند. اکنون که داوود رهبر تمامی اسرائیل شده بود، او می خواست پایتخت اش را در شهری که در مرکز تمامی اسرائیل قرار داشت بنا کند. او شهر اورشلیم را انتخاب کرد. ارتش دشمن او رشلیم را کنترل می کرد، اما خدا به ارتش داوود کمک کرد تا شهر را تسخیر کند. داوود دستور داد تا قصر زیبایی در آنجا ساخته شود. کتاب مقدس می گوید که داوود می دانست خداوند او را به عنوان پادشاه اسرائیل مقرر کرده بود و اینکه خدا پادشاهی داوود را به خاطر قوم خودش اسرائیل سرافراز کرده بود. چون داوود فروتنانه انتظار زمان خدا را کشید و به خدا اعتماد کرد تا اراده اش را در زندگی اش به پیش ببرد، خدا داوود را درست همانطور که وعده داد، سرافراز کرد.

اگر شما به بچه ها غذاهایی مانند انگور، سیب و غیره بدهید ایشان جشن و مهمانی را بهتر درک می کنند.

دوم سموئیل ۵: ۲۱ را از روی کتاب مقدس بخوانید.

تقلا



کارت تعلیم

از یکی از بچه های نجات یافته بخواهید تا کارت تعلیم را بالا نگه دارد.

کارت های بپر- خانه که حاوی توضیحات مشروح می باشد را تهیه کرده و به بچه ها بدهید تا به منزل ببرند.

اگر شما فروتنانه منتظر خدا بشوید و به او توکل کنید تا در زندگی تان کار کند، او شما را نیز سرافراز می کند. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان خولانده اید، آیا منتظر می مانید تا خدا از شما استفاده کند؟ آیه حفظی ما را به یاد آورید. (اول پطرس ۵: ۶ را با هم تکرار کنید.)
اگر می بینید که بی صبر هستید تا خدا کار کند، از خدا بخواهید تا به شما صبر بدهد. از خدا بخواهید به شما کمک کند فروتن شوید تا اینکه خودتان را انطور ببینید که خدا شما را می بیند. از خدا تشکر کنید که در زندگی شما کار می کند. وقتی که خدا انتخاب می کند که شما را سرافراز کند، فراموش نکنید که نام او را بستابید و از او تشکر کنید!

برای این کهبه شما کمک کنم که به یاد بیاورید، برگه ای دارم که می توانید به منزل ببرید. بر روی برگه تصویر ساعتی کشیده شده و اول پطرس ۵: ۶ دور آن نوشته شده است. این برگه را جایی قرار دهید که هر روز آن را ببینید. اجازه دهید برگه به شما یادآوری کند که فروتنانه منتظر زمان عالی خدا باشید تا از شما استفاده کند.

دعوت

اگر تا به حال عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود هرگز از گناه نخوانده اید، اکنون زمان عالی خدا است که این کار را انجام دهید! کتاب مقدس می گوید: " زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت" (رومیان ۱: ۳۱)

شاید اکنون فهمیده اید که بر علیه خدا گناه کرده اید. شما باید اعتراف کنید که گناه کرده اید، با این درک که گناهتان بر علیه خدا شما را از خدا جدا نگاه می دارد. آنوقت شما می توانید عیسی خداوند را بخوانید- به او بگویید که می خواهید او نجات دهنده شما باشد. او شما را از مجازات گناه نجات خواهد داد. آیا عیسی را می خوانی تا نجات یابی؟

لطفاً سرتان را خم کنید و چشم های تان را ببندید. اگر مایلید تا با عیسی خداوند صحبت کنید که تا بتوانید از گناهتان نجات یابید، درست حالا می توانید با او صحبت کنید. چیزی مثل این بگویید: " عیسی خداوند عزیز، ایمان دارم که برای من مردی. به خاطر کارهای اشتباهی که انجام داده ام متاسفم. لطفاً گناه مرا بردار و به من کمک کن تا از تو اطاعت کنم. متشکرم که مرا نجات دادی." (از کسانی که دعا کردند بخواهید تا بعد از کلاس به مکان مشخصی بیایند تا به سوالاتی که دارند ، شما پاسخ بگویید. به بچه ها یادآوری کنید که اگر حالا دعا نکردند، آنها می توانند حتی بعت از رفتن نیز دعا کنند.)



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را بپذیرند.

سوالات مروری

۱- پیام رسان چه خیرهای وحشتناکی به شهر داوود، صقلغ آورد؟
که شائول پادشاه و یوناتان در نبردی کشته شده بودند و این که ارتش اسرائیل مغلوب شده بود.

۲- چرا فوراً بعد از این که شائول کشته شد، داوود به عنوان پادشاه اسرائیل قدرت را در دست گرفت؟
او منتظر زمان صحیح خدا بود تا پادشاه شود

۳- چرا شما باید به عنوان فرزند خدا منتظر باشید تا از شما استفاده کند؟
شاید اگر شما سعی کنید که امور را خودتان به پیش ببرید مشکلات بزرگ

بازی مروری

دو تاج کاغذی تهیه نمایید. آبه ی حفظی اول پطرس ۵: ۶ را به بچه ها یاد آوری نمایید . از هر تیم یک داوطلب انتخاب کنید تا به جلو بیایند و زانو بزنند و صورتشان را در دستهایشان بگیرند. هر بار که یکی از تیم ها به درستی پاسخ می دهند نماینده ی تیم او مقداری از روی زمین بلند می شود و بعد بر روی صندلی می نشیند و بعد ایستاده و در نهایت یکی از تاجها را دریافت کرده و بر سر خود قرار می دهد.
هر تیمی که نماینده اش در مرحله ی بالاتری از ایستادن می باشد، برنده است.

تری بیافرینید.

۴- مردم در حبرون داوود را پادشاه کجا ساختند؟
قبیله جنوبی یهودا

۵- ابنیر چه کسی را پادشاه اسرائیل ساخت؟ چرا؟
پسر شائول، ایشبوشت، ابنیر احساس وفاداری عمیقی نسبت به خانواده شائول داشت.

۶- وقتی که ابنیر و ایشبوشت بحث کردند، ابنیر برای کمک کردن به داوود چه کرد؟
او با رهبران قبایل دیگر اسرائیل ملاقات کرد تا ایشان را متقاعد سازد که داوود را پادشاه تمامی اسرائیل سازند.

۷- چرا وقتی که یوآب فهمید ابنیر توسط داوود مورد پذیرایی قرار گرفت بسیار عصبانی شد؟
یوآب می ترسید که ابنیر مقام اش را به عنوان سردار ارتش داوود تصاحب کند و همچنین از ابنیر عصبانی بود چون ابنیر برادر کوچکتر یوآب را کشته بود.

۸- شما چطور می توانید از گناهی که با آن به دنیا آمدید، بخشیده شوید؟
شما می توانید عیسی خداوند را به عنوان نجات دهند خود بخوانید و ایمان بیاورید که او برای شما بر روی صلیب مرد.

۹- بعد از مرگ ایشبوشت چه اتفاقی برای داوود افتاد؟
او پادشاه تمام اسرائیل شد.

۱۰- اول پطرس ۵: ۶ را تکرار کنید، مفهوم این آیه چیست؟
اول پطرس ۵: ۶ "پس زیر دست زور آور خدا فروتنی نمایند تا شما را در وقت معین سرافراز نماید" خود را صادقانه همانطور که خدا شما را می بیند، ببینید و منتظر زمان عالی خدا باشید تا شما را ترقی بخشد یا پاداش دهد.

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس	دوم سموئیل ۱۱: ۱- ۲۱: ۳۲
آیه حفظی	امثال ۴۱: ۲۱ "راهی هست که به نظر آدمی مستقیم می نماید، اما عاقبت آن طرق موت است."
هدف تعلیم	بچه نجات یافته راه صحیح خدا را انتخاب می کند، با این درک که گناه پیامدهایی را به همراه خواهد داشت.
تعلیم اصلی	راه صحیح خدا را انتخاب کنید.
تاکید برای نجات نیافتگان	به عیسی خداوند ایمان بیاور و زندگی جاودانی را دریافت کن
کمک های تصویری	۱۲۱- ۱۱۷ دی

خطوط اصلی درس

۱- مقدمه

آیا تا به حال نقشه کشیده ایی که گناه کنید؟ (مثال بهبود را عنوان کنید.) یک بار داوود پادشاه برای گناه کردن نقشه کشید. خدا چطور با پادشاه قدرتمندش، خادم برگزیده و محبوب خویش برخورد خواهد کرد؟

۲- پیشرفت وقایع

الف- داوود یوآب و ارتشش را به جنگ فرستاد در حالی که خودش در اورشلیم باقی ماند. (۱۱: ۱)

ب- یک بار هنگام شام داوود روی پشت بام قصر قدم می زد که دید زنی زیبا حمام می کند، داوود فهمید که زن، بتشیع، همسر سربازش اوریا، می باشد. (۱۱: ۲-۳)

پ- داوود با بتشیع زنا کرد و مدتی بعد بتشیع خبر داد که فرزند داوود را در شکم دارد. (۱۱: ۴-۵)

ت- داوود اوریا را تشویق کرد که زمانی را با بتشیع بگذرانی، اما اوریا نپذیرفت. (۱۱: ۶-۳۱)

ث- داوود به یوآب دستور داد که اوریا را به خط مقدم نبرد بفرستد تا او کشته شود. (۱۱: ۴۱-۵۱)

ج- یوآب از دستورات داوود اطاعت کرد، بعد به داوود خبر داد که اوریا مرده است. (۱۱: ۶۱-۵۲)

چ- بتشیع برای مرگ شوهرش عزاداری کرد، بعد با داوود ازدواج کرد و پسری به دنیا آورد. (۱۱: ۶۲-)

(۷۲)

ح- خدا ناتان نبی را به نزد داوود فرستاد و او داستانی را برای داوود تعریف کرد، داوود نسبت به مرد مقصر داستان بسیار عصبانی شد. (۲۱ : ۱ - ۶)

خ- ناتان داوود را با گناه اش مواجه ساخت و داوود بخ گناه اش اعتراف کرد. (۲۱ : ۷ - ۳۱) 

۳- نقطه اوج داستان

اما داوود در انتخاب راه صحیح خدا موفق نشد و اکنون او می باید با پیامدهای گناهش روبه رو می شد. (۲۱ : ۰۱ - ۴۱)

۴- نتیجه


الف- پسر داوود بیمار شد و به رغم دعاهای داوود، بچه مرد. (۲۱ : ۵۱ - ۸۱)

ب- داوود پیامدهای گناهش را پذیرفت و خدا را پرستش کرد. (۲۱ : ۹۱ - ۳۲)

تقللا (بچه نجات یافته) : 

راه صحیح خدا را انتخاب کن. (امثال ۴۱ : ۲۱)

نجیل و دعوت (بچه نجات نیافته) : 

برای زن دگی جاودانی به عیسی خداوند ایمان بیاور. (یوحنا ۳ : )

(۶۳)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: امثال ۱۴: ۱۲

" راهی هست که به نظر آدمی مستقیم می نماید، اما عاقبت آن، طرق موت است. "

مقدمه:

(برگه ای را که روی آن نوشته اید، " داخل نشوید" را بالا نگاه دارید.)
(چه کسی چنین تابلویی در کنار جاده دیده است که این جمله را می گوید؟)
(اجازه دهید بچه ها دست شان را بلند کنند.) چرا این تابلو در آنجا است؟
(اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.)
این تابلو هشدار می دهد که شاید خطری در جلو وجود داشته باشد تا شما به آن راه نروید. کتاب مقدس به ما هشدار می دهد که از رفتن به راه های گناه آلودمان دوری کنیم چون در انجام آن خطر وجود دارد.

معرفی:

(آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید- یا اجازه دهید بچه بزرگ تری آن را بخواند- بعد اجازه دهید بچه ها از روی آیه نمایشی، آیه را با شما بخوانند.)

توضیح:

" راهی است که به نظر آدمی مستقیم می آید"- ممکن است راه با مسیر مشخصی از زندگی برای بعضی از افراد درست یا نیکو به نظر برسد، اما در واقع آن گناه است. " اما عاقبت آن، طرق موت است"- چون آن مسیر (که به نظر درست می رسد.) گناه است، به مرگ یا جدایی از خدا منتهی می شود.

کاربرد:

نجات یافتگان: اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، شما باید مواظب روش زندگی تان و انتخاب های تان باشید. کارهایی که شما انجام می دهید شاید به نظر شما یا دیگران درست باشد، اما آیا آنها راه های خدا هستند؟ اگر شما راه هایی را انتخاب می کنید که راه های خدا نیستند، پیامدهایی وجود خواهند داشت.

نجات نیافتگان: اگر شما هرگز به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان نیاورده اید، راه خدا برای شما این است که زندگی جاودانی داشته باشید. شما نیاز دارید که به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید.

تکرار: پشت به کلاس

(از چند داوطلب بخواهید که در جلوی کلاس به خط بایستند، هر کدام از بچه ها کلماتی از قسمتی از آیه را نگویند. چندین بار آیه را با استفاده از آیه نمایشی تکرار کنید. بعد از یکی از بچه ها بخواهید که پشت اش را به

کلاس کند مادامی که بقیه به تکرار آیه ادامه می دهند. ادامه دهید تا وقتی که همه به کلاس پشت کنند.)

درس مقدمه

آیا تا به حال برای گناه کردن نقشه کشیده اید؟ بهبود این کار را انجام داد. خانواده او پول زیادی داشتند و او بیشتر چیزهایی را که می خواست، داشت. روزی او دید که دوست اش چیزی دارد که او نداشت و بهبود نقشه کشید که آن را بدزدد. بعد از این که او آن وسیله را دزدید، او برای پنهان کردن کاری که انجام داده بود، دروغ گفت. اما بهبود مسیحی بود. خدا چه احساسی دارد وقتی که فرزندان اش برای گناه کردن نقشه می کشند و بعد سعی می کنند از زیر بار مسئولیت آن فرار کنند؟ (اجازه دهید بچه ها مختصراً پاسخ دهند.) یک بار داوود پادشاه برای گناه کردن نقشه کشید، خدا با پادشاه قدرتمندش، خادم برگزیده اش و محبوبش چگونه برخورد خواهد کرد؟

یکی از اشیایی را که ممکن است بچه ها وسوسه شوند تا بدزدند نشان دهید.

پیشرفت وقایع

(تصویر داوود، -۱۱۷ دی را نصب کنید)

ceflo ۳-۱

بالاخره فصل باران به پایان رسیده بود، و فصل بهار در اسرائیل بود. پادشاه و سپاهیان اش دوباره بر علیه دشمنان شان در حرکت بودند. داوود پادشاه کسی که در حدود ۲۰ سال در اسرائیل پادشاهی کرده بود، تصمیم گرفت که شهر ربه را اشغال کند. ربه پایتخت دشمن، آرامیان بود که در مشرق، همسایه اسرائیل بودند. آنها یک تهدید دائمی برای قوم خدا بودند. معمولاً پادشاهان سپاه شان را در نبرد رهبری می کردند. اما به دلایلی داوود تصمیم گرفت که این بار نرود. او یوآب، سرداران اش را فرستاد تا به جای او سپاه را رهبری کند مادامی که خودش در قصر اورشلیم باقی می ماند. یک بار هنگام شام داوود نتوانست بخوابد. شاید او درباره نبرد فکر می کرد و از خود می پرسید که وضعیت سپاه اش چگونه است. شاید او کمی احساس تقصیر می کرد که با آنها نرفته است. داوود بی تاب بود، پس بلند شد و بر روی پشت بام مسطح قصر قدم زد. او نفس عمیقی از هوای گرم شب را به سینه فرو برد. از آن بالا او می توانست تقریباً قسمت کوچکی از شهر پایین را در نور ضعیف ابتدایی غروب ببیند.

وقتی که او به پشت بام های پایین قصر نگاه می کرد، روی یکی از آنها زنی را دید. او بسیار زیبا بود، و در حال حمام کردن بود. داوود می دانست که باید نگاه اش را به سمت دیگری بچرخاند، اما او این کار را نکرد. او یکی از خدمتکاران اش را خواند و پرسید که آن زن کیست. نام اش بتشبع است، خدمتکار پاسخ داد. او زن سرباز شما او ریا است. " همچنین داود متاهل بود، و می دانست که خدا چیزهای بسیار جدی درباره ازدواج برای گفتن دارد. خدا می گوید که یک شخص متاهل باید به زوج یا زوجه اش وفادار

لطفاً توجه کنید:

این درس به نحو صادقانه و مستقیم با مبحث زنا و پاکی روابط جنسی سر و کار دارد شما نیاز دارید که در موقع بیان مثال از چه نوع مثالهای مطابق سن بچه های مورد تعلیمتان استفاده کنید. پاکی روابط جنسی مسئله ی بسیار مهمی است که باید به بچه های روزی آموزش داده شود. از خدا بخواهید که به شما حکمت دهد که چقدر بگویید یا این چگونه این مثال ها را عنوان کنید.

باشد.

یک شخص متاهل نباید مرتکب زنا شود- یعنی نباید با شخص دیگری به غیر از همسرش عشق بازی کند. اما هر چند که داوود حکم خدا را می دانست، او خدمتکاری فرستاد تا بتشیع را به قصر بیاورد. داوود کار بسیار احمقانه و خطرناکی انجام داد- او برای گناه کردن نقشه کشید.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تهلیم را نشان دهید: راه صحیح خدا را انتخاب کنید.

یعقوب ۴: ۷۱ را از کتاب مقدس خود بخوانید.

آیا تا به حال برای گناه کردن نقشه کشیده اید؟ شاید، مانند بهبود در ابتدای درس مان ، شما نیز برای دزدیدن چیزی نقشه کشیدید. یا شاید عمداً از والدین تان یا قوانین مدرسه سر پیچی کردید. بعضی از پسران و دختران مسیحی حتی احکام خدا درباره پاک نگه داشتن بدن شان را می شکنند. آنها نقشه می کشند که با دوست پسر یا دوست دختر شان تنها باشند تا بتوانند با هم عشق بازی کنند ، هر چند که با یکدیگر ازدواج نکرده اند.

اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، شما نیاز دارید که به جای انتخاب گناه کردن، راه صحیح خدا را انتخاب کنید. خدا در کتاب مقدس می گوید: " پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد، او را گناه است. " (یعقوب ۴: ۷۱)

اگر با دانستن راه درست خدا، انتخاب کنیم که گناه کنیم، یک جرم بسیار جدی نسبت به خدا مرتکب می شویم. پسر خدا، عیسی خداوند، برای گناه شما مرد. او بهای گناه شما را با خون خودش پرداخت. وقتی شما انتخاب می کنید گناه کنید، این عمل مانند این است که به خدا بگویید: " برای من مهم نیست که عیسی برای گناهم مرد، من کاری را که می خواهم انجام می دهم."

شاید فکر کنید که می توانید گناهتان را بپوشانید یا آن را به صورت رازی نگه دارید. اما شما هرگز نمی توانید گناهتان را از خدا پنهان کنید. بالاخره شما باید با پیامد ها یا نتایج گناه تان روبه رو شوید.

شاید شما باید بهای آنچه را که دزدیده اید، پس بدهید یا این که مواخذه شوید یا از مدرسه اخراج شوید. اگر انتخاب نکنید که بدن تان را پاک نگه دارید و پیش از این که ازدواج کنید عشق بازی کنید، شاید صاحب نوزادی که نمی توانید از آن نگه داری کنید، شوید یا این که دچار یک بیماری کشنده شوید. نقشه کشیدن برای گناه کردن ، کاری احمقانه و خطرناک است. (تصویر بتشیع، -۱۱۸ دی را نصب کنید.)

داوود برای گناه کردن نقشه می کشید. هر چند او می دانست که او و بتشیع به اشخاص دیگری تعلق دارند، او دستور داد که بتشیع را به قصرش بیاورند. داوود و بتشیع شب را مانند یک زن و شوهر با هم سپری کردند. بعد بتشیع به خانه اش باز گشت.

۲- ۳ ceflo

(تصویر بتشیع، -۱۱۸ دی را بردارید.)

مدتی طولانی از آن شب نگذشته بود که داوود پیغامی از بتشیع دریافت کرد. بتشیع بسیار مضطرب بود که به داوود بگوید نوزادی به دنیا خواهد آورد. مردم چه خواهند گفت؟ همه می دانستند که شوهر او بسیار زور ، در جنگ بود. مردم خواهند دانست که آنها مرتکب زنا شده اند و قانون اسرائیل می گفت که هر دو آنها می باید کشته شوند! بتشیع می باید بسیار ترسیده

۳-۳ ceflo

جازه دهید که یکی از بچه ها وانمود کند که داوود پادشاه می باشد و به اوریا می گوید " برو به خانه ات و استراحت کن".

بچه ی مزبور ادامه می دهد: " چرا دیشب به خانه نرفتی؟"

بود. داوود می دانست که این یک وضعیت بسیار جدی است، اما او پادشاه قدرتمندی بود. او فکر کرد که می تواند از قدرت اش برای پوشانیدن گناه اش استفاده کند. او فوراً فرستاد تا شوهر بتشیع، اوریا را بیاورند.

(تصویر اوریا، -۱۱۹ دی را نصب کنید.)

داوود فکر کرد که اگر اوریا می توانست به خانه برود و با زنش زمانی را صرف کند، مردم فکر خواهند کرد که نوزاد متعلق به اوریا است.

وقتی که اوریا به قصر رسید، داوود از او درباره جنگ پرسید. اوریا به داوود گفت که اوضاع چگونه بود. بعد داوود به اوریا گفت: " به منزلت برو و استراحت کن." داوود حتی مقداری غذا فرستاد تا با اوریا به خانه ببرند. وقتی که اوریا رفت، شاید داوود فکر کرد که مشککش به پایان رسیده است. اما روز بعد او فهمید که اوریا به خانه نرفته است. او در قصر مانده بود و با خدمتکاران خوابیده بود! داوود از اوریا پرسید، " چرا دیشب به خانه نرفتی؟" اوریا پاسخ داد: " تابوت و اسرائیل و یهودا در خیمه ها ساکنند و آقایم، یوآب و بندگان آقایم بر روی بیابان خیمه نشینند. و آیا من به خانه خود بروم تا الکل و بنمایم و با زن خود بخوابم؟ به حیات تو و به حیات جان تو قسم که این کار را نخواهم کرد."

سخنان اوریا می باید باعث ناراحتی زیاد داوود شده بود. این سرباز وفادار مایل بود حتی بودن با همسرش را به خاطر همزمانش رها کند، در حالی که داوود حتی با مردانش به جنگ نرفته بود.

داوود مصمم بود که اوریا به منزل خواهد رفت، دستور داد که او شبی دیگر بماند. او مطمئن شد که اوریا مقداری شراب نوشید، با این امید که ذهن اش کدر شود تا دیگر سربازان را فراموش کند و به خانه به نزد همسرش برود، اما دوباره اوریا در قصر ماند.

داوود کاملاً درمانه شده بود. او به راه حل دیگری برای این مشکل احتیاج داشت. داوود یادداشتی برای سردارش یوآب نوشت. او به یوآب آموزش داد که اوریا را در خطوط مقدم جنگ قرار دهد، آنوقت بقیه سربازان اش را به عقب بکشد تا اوریا توسط دشمن کشته شود. داوود نامه را به وسیله مهر سلطنتی اش مهر کرد و نامه را به اوریا داد، و از او خواست که نامه را شخصاً به یوآب بدهد. گناهان داوود حقیقتاً زیادتر می شد. اول زنا، بعد دروغ گفتن برای پوشانیدن آن و حالا او نقشه کشید که اوریا به قتل برسد! یوآب نامه را که توسط اوریای ساده دل وفادارانه تحویل داده شده بود، دریافت کرد. یوآب به عنوان سردار داوود، از دستورات پادشاه اطاعت کرد، و اوریا را در خطوط مقدم نبرد قرار داد. اوریا به وسیله دشمن کشته شد. (تصویر اوریا، -۱۱۹ دی را بردارید.)

وقتی که خبر رسید اوریا در نبرد کشته شده بود، بتشیع برای مدتی به خاطر شوهر مرده اش عزاداری کرد و اندوه اش را در عموم به نمایش گذاشت. وقتی که روزهای عزاداری به پایان رسید، داوود به دنبال بتشیع فرستاد و با او ازدواج کرد.

(تصویر بتشیع، -۱۱۸ دی را نصب کنید.)

پادشاه زنان بسیاری داشت، هر چند که این موضوع بر خلاف شریعت خدا

وانمود کنید که پیغام داوود را روی یک طومار می نویسد، بعد ان را بیچید و به یک نفر که شما را در تدریس درس یاری می کند، بدهید.

۳-۴ ceflo

بود. وقتی که داوود با بتشیع ازدواج کرد، احتمالاً مردم متعجب یا شوکه نشدند. دوباره همه چیز به حالت عادی برگشت. داوود و بتشیع نفس راحتی کشیدند. آنها منتظر تولد نوزادشان بودند و فکر می کردند که همه چیز درست خواهد شد. اما کتاب مقدس می گوید آنچه که داوود انجام داده بود موجب ناخشنودی خداوند شد. داوود و بتشیع می باید همدیگر را متقاعد کرده بودند که از مجازات گناه شان فرار کرده اند. اما خدا فریب نخورده بود و گناه ایشان را فراموش نکرده بود.

چندین ماه گذشت و بالاخره یک نوزاد پسر برای بتشیع به دنیا آمد. داوود پسر جدیدش را دوست داشت، اما او نمی توانست با آگاهی از این که چه کاری انجام داده است، کاملاً خوشحال باشد.

(تصویر بتشیع-۱۱۸ دی را بردارید، تصویر ناتان،-۱۲۱ دی را نصب کنید.)

۵-۳ ceflo

مثال ناتان به همراه یک بره اسباب بازی می تواند بسیار موثر واقع شود.

یکروز خدا نبی اش ، ناتان را فرستاد تا با داوود ملاقات کند. ناتان این داستان را به داوود گفت: " در شهری دو مرد بودند، یکی دولتمند و دیگری فقیر. دولتمن را گوسفند و گاو بی نهایت بود، اما فقیر را جز یک ماده بره کوچک نبود که آن را خرید و پرورش داده، همراه وی و پسرانش بزرگ می شد، از خوراک وی می خورد و از کاسه او می نوشید و در اغوشش می خوابید و برایش مثل دختر بود و مسافری نزد آن مرد دولتمند آمد و او را حیف آمد که از گوسفندان و گاوان خود بکگیرد تا به جهت مسافری که نزد وی آمده بود مهیا سازد، و بره آن مرد فقیر را گرفته، برای آن مرد که نزد وی آمده بود، مهیا ساخت."

داوود خشمگین بود!" مرد مستحق مردن بود!" داوود اعلام کرد. ناتان به داوود پادشاه نگاه کرد و واضحاً به او گفت:" تو آن مرد هستی." صورت داوود بی رنگ شد. ناتان ادامه داد، و یهوه خدای اسرائیل، چنین می گوید:" من تو را برای اسرائیل به پادشاهی مسح نمودم و من تو را از دست شائول رهایی دادم. و خانه آقایت را به تو دادم و زنان آقای تو زرا به اغوش تو، و خاندان اسرائیل و یهودا را به تو عطا کردم و اگر این کم می بود، چنین و چنان برای تو مزید می کردم. پس چرا کلام خداوند را خوار نموده در نظر وی عمل بد به جا آوردی و اوریای حتی را به شمشیر زده ، زن او را برای خود به زنی گرفتی." کلام خدا که توسط ناتان گفته شد دل داوود را عمیقاً برش داد." خدا تو را مجازات می کند، داوود" ناتان گفت. " تو به خاطر این شرارت رنج خواهی برد. تو به خاطر این، گرفتاری های زیادی در خانواده ات خواهی داشت."

خدا به داوود یادآوری می کرد که گناه همیشه باعث پیامدها یا نتایجی می شود. به این دلیل است که خدا می خواست داوود به جای انتخاب گناه کردن راه صحیح خدا را انتخاب می کرد.



کارت تعلیم

از یکی از بچه های نجات یافته بخواهید که کارت تعلیم را بخواند.

اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، شما نیاز دارید که راه صحیح خدا را انتخاب کنید. اگر انتخاب می کنید که با شریعت خدا مخالفت کنید، گناه خواهید کرد و باید با پیامدهای انتخاب تان روبرو شوید. بیابید تا آیه حفظی مان را با هم بگوییم. (امثال ۱۴: ۱۲ را با هم تکرار کنید.)

گناه همیشیه موجب شرمساری و اندوه می شود، نه تنها برای کسی که گناه کرد بلکه همچنین برای خانواده و دوستان اش گناه بر علیه خداست و بین شما و خدا قرار می گیرد و به دوستی شما و خدا لطمه می زند. گناه تان دل خدا را محزون می سازد.

اگر شما می دانید که به جای راه صحیح خدا، گناه را انتخاب کرده اید، شما نیاز دارید که آن گناه را به خدا اعتراف کنید. اعتراف کردن یعنی موافقت با خدا که گناه کرده اید، و این که گناه تان بین شما و او آمده است. بعد باید از خدا بخواهید که به شما قوت بدهد که راه صحیح او را انتخاب کنید. ایستادن در مقابل وسوسه همیشه آسان نیست. وسوسه شدن گناه نیست، اما وقتی که اجازه می دهید وسوسه در ذهن شما بماند، این زمانی است که وسوسه تبدیل به گناه می شود. وقتی که وسوسه گناه کردن به ذهن شما می آید، به این فکر کنید که خدا درباره آن گناه چه می گوید.

به نتایج و پیامدهایی فکر کنید که اگر تسلیم شوید باید با آنها روبرو شوید. به یاد آورید که هیچ گناهی از خدا پنهان نمی شود. به این فکر کنید که گناه شما چطور خدا را آزار می دهد و بعد از خدا بخواهید که به شما قوت دهد تا راه صحیح اش را انتخاب نمایید.

خدا می خواست داوود به جای انتخاب گناه کردن راه صحیح اش را انتخاب می کرد. او به داوود یادآوری کرد که گناه همیشه پیامدهایی به همراه می آورد.

داوود با اندوه زیادی فریاد برآورد: "به خداوند گناه کرده ام!" داوود با اندوه عمیقی گناهِش را به خدا اعتراف کرد، و خدا او را بخشید. (تصویر داوود، -۱۱۷ دی و -۱۲۰ دی را نصب کنید.)

"خداوند نیز گناه تو را عفو نموده است که نخواهی مرد"، ناتان به داوود گفت.

اول یوحنا ۱: ۹ را تکرار کنید.

نقطه اوج داستان

اما چون داوود موفق نشد که راه صحیح خدا را انتخاب کند، اکنون می باید با پیامدهای گناهِش مواجه می شد.

نتیجه

"بچه ای که برای تو به دنیا آمده است خواهد مرد"، ناتان به داوود گفت. (تصویر ناتان، -۱۲۱ دی را بردارید.) زمان کوتاهی گذشت که نوزاد بیمار شد. هر چند که داوود برای بهبودی نوزاد دعا کرد ولی بعد از یک هفته او مرد. دل داوود از غم شکست، اما او می دانست که او و بتشیع این موقعیت وحشتناک را برای خودشان باعث شده اند. داوود به خانه خداوند رفت و او را پرستید. او به روش سختی آموخته بود که گناه پیامدهایی را به همراه می آورد و همیشه بهتر است که راه صحیح خدا را انتخاب کنید.

تقلا



کارت تعلیم
به کارت تعلیم اشاره کنید.

کارت های ببر- خانه که حاوی توضیحات
مشروحه می باشد را تهیه کرده و به بچه ها
بدهید تا به منزل ببرند.

اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، شما نیاز دارید که راه صحیح خدا را انتخاب کنید. اجازه ندهید که وسوسه قوی دشمن شما را به گناه بکشاند. آیه حفظی ما را به یاد آورید. (امثال ۱۴: ۱۲ را تکرار کنید.)

وقتی که وسوسه می شوید، به این فکر کنید که کلام خدا درباره آن گناه چه می گوید. به این فکر کنید که اگر تسلیم شوید با چه پیامدها و نتایجی باید رو به رو شوید و این که چطور گناه تان به دیگران نیز آسیب می رساند. یاد آورید که گناه تان از خدا پنهان نمی شود. به این فکر کنید که گناه تان او را ناراحت خواهد کرد. از خدا قدرت بخواهید تا در عوض راه صحیح او را انتخاب کنید. اگر قبلاً تسلیم وسوسه شده اید، گناه تان را به خدا اعتراف کنید، بخشش او را قبول کنید و از او بخواهید به شما کمک کند دفعه بعد راه صحیح اش را انتخاب کنید. یک برگه برای شما دارم. روی برگه علامت ایست نوشته شده است. این برگه یای آوروی است تا وقتی که شما با وسوسه روبه رو می شوید، به یادآورید توقف کنید، درباره آنچه که انجام میزدهید فکر کنید، از خدا بخواهید تا به شما کمک کند راه صحیح اش را انتخاب کنید.

انجیل و دعوت



جای مشخصی در این داستان برای تعلیم
پیغام نجات وجود ندارد.
به همین دلیل پیغام نجات مستقیم در این
قسمت در مبحث دعوت تعلیم داده می شود.

شاید شما فهمیده اید که علیه خدا گناه کرده اید و مایلید از خدا بخواهید شما را تغییر دهد. آیا می دانید که با تمایل گناه کردن به دنیا آمده اید؟ کلام خدا می گوید: " دل از همه چیز فریبنده تر است و بسیار مریض است ، کیست که آن را بداند؟" (ارمیا ۷۱: ۹)

شما به وسیله یک خدای مقدس- بدون گناه- آفریده شدید. او شما را دوست دارد و می خواهد یک رابطه مخصوص با شما داشته باشد. اما گناه تان شما را از او جدا می سازد. تمام چیزهای بدی که شما انجام می دهید یاد آور گناه آلود بودن دل تان است.

عیسی، خدای پسر، بر روی زمین آمد و یک زندگی بدون گناه را زیست. هر چند او مستحق مجازات شدن نبود، او رنج کشید و راغبانه بر روی صلیب به خاطر گناه تان مرد. خون عیسی بهایی را که خدا به خاطر گناه شما تقاضا می کرد پرداخت.

کتاب مقدس می گوید: " که در وی فدیة خود یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته ایم." (کولسیان ۱: ۴۱) عیسی دفن شد و بعد دوباره در روز سوم زنده شد. او برای همیشه زنده است. تنها او می تواند گناه تان را ببخشد. کلام خدا می گوید: " آن که به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد." (یوحنا ۳: ۶۳)

یعنی اگر شما به تمامی دل تان ایمان بیاورید که عیسی خداوند بر روی صلیب مرد تا بهای گناه تان را بپردازد، او به شما زندگی جاودانی اش را خواهد داد تا با او در آسمان زندگی کنید. آیا به عیسی خداوند ایمان می آورید؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشم های تان را ببندید. اگر مایلید که به عیسی ایمان آورید و زندگی جاودانی او را داشته باشید، آیا با ایستادن در کنار صندلی تان به من نشان خواهید؟ (مکث کنید و متوجه جواب ها شوید.)

کسانی که ایستاده اند می توانند با من (مکان مشخصی) بیابند تا من بتوانم تاز روی کتاب مقدس به شما نشان دهم که چطور می توانید زندگی جاودانی را داشته باشید.

سوالات مروری

- ۱- چرا غیر معمول بود که داوود در فصل بهار در قصرش بماند؟ سپاه داوود به جنگ رفته بود و معمولاً او می باید با آنها می بود.
- ۲- داوود اولین بار بتشیع را چطور دید؟ یک بار هنگام شام او بر روی پشت بام قصر راه می رفت و او دید که بتشیع بر روی پشت بام خانه اش حمام می کند.
- ۳- چرا برای بتشیع و داوود گناه بود که شب را با هم بگذرانند؟ هر کدام از آنها با شخص دیگری ازدواج کرده بود. این کار شکستن قانون خدا بود.
- ۴- داوود چگانه سعی کرد که گناه اش را بپوشاند؟ او اوریا را تشویق کرد تا به نزد بتشیع برود تا مردم فکر کنند که نوزاد متعلق به اوریا بود.

- ۵- چرا پنهان کردن گناه تان از خدا غیر ممکن است؟ خدا همه چیز را می داند و می بیند، او در همه جا حاضر است.
- ۶- وقتی می گوئیم گناه پیامدهایی دارد یعنی چه؟ چیزهایی وجود دارد که به عنوان نتیجه گناه اتفاق می افتد. اغلب این چیزها بسیار سخت است و باعث غم و خجالت می شود.

- ۷- ناتان چگونه داوود را با گناه اش روبه رو ساخت؟ او داستانی درباره مردی که بره شخص دیگری را دزدیده بود به داوود گفت ، بعد به داوود نشان داد که داوود ان شخص گناهکار بود.

بازی مروری

راه درست را انتخاب کن "

دو پاکت نامه تهیه کنید، روی یکی بنویسید راه درست و بر روی دیگری راه غلط. در درون پاکتها تکه های کاغذ را قرار دهید که اعداد مثبت در پاکت نامه ی راه درست و اعداد منفی در پاکت نامه ی راه غلط بر روی آنها نوشته شده است. وقتی که یکی از بچه ها به درستی به سوالی پاسخ می دهد پاکتها را در پشت خود در دو دست خویش بگیرید و از بچه ی مزبور بخواهید که به جلو بیاید و یکی از پاکتها را انتخاب کرده و یکی از کاغذهای درون آن را بیرون بکشد. اعداد مثبت به امتیاز تیم اضافه می شود و اعداد منفی از امتیاز تیم کم می شود. تیمی که بیشترین امتیاز را در پایان دارد برنده می شود.

۸- داوود به خاطر گناه اش از چه نتایجی رنج برد؟
خانواده داوود می باید در طول زندگی شان رنج می بردند، پسر نوزادش
مرد.

۹- وقتی که وسوسه می شوید گناه کنید، چچه باید بگویید؟
به این فکر کنید که خدا درباره آن گناه چه می گوید و چگونه ان گناه خدا را
ناراحت خواهد کرد، به بررسی نتایج آن پردازید و از خدا بخواهید به شما
قوت دهد تا راه صحیح اش را انتخاب کنید.

۱۰- چطور می توانید فرزند خدا بشوید و از گناه تان بخشیده شوید؟
با ایمان آوردن به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

دوم سموئیل ۴: ۴، ۹: ۱- ۳۱

آیه حفظی

یوحنا ۱: ۲۱. "اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد."

هدف تعلیم

بچه نجات نیافته در پاسخ به مهربانی خدا، نجات دهنده را قبول خواهد کرد و عضوی از خانواده خدا خواهد شد.

تعلیم اصلی

خدا با ساختن راهی برای این که شما فرزند او شوید مهربانی اش را نشان می دهد.

تاکید برای نجات یافتگان

خدا می خواهد شما مهربانی اش را به دیگران نشان دهید.

کمک های تصویری

۱۳۰- ۱۲۲ دی

خطوط اصلی درس

۱- مقدمه

پیغام رسان خبرهای وحشتناکی را برای مفیوشت می آورد، پدراش، شاهزاده یوناتان و پدر بزرگ اش شائول پادشاه مرده اند!

۲- پیشرفت وقایع

الف- پرستار مفیوشت با ترس سعی کرد او را برای پنهان کردن به جایی ببرد اما او را بر روی زمین انداخت و هر دو پایش لنگ شد. (۴: ۴ - ۹




ب- داوود به عنوان پادشاه جدید اسرائیل تاجگذاری کرد. (۵: ۱- ۵)

پ- داوود پادشاه و عده اش به یوناتان مبنی بر احسان کردن به خانواده اش را به یاد آورد. (۹: ۱)




ت- داوود دستود داد تا ببینند آیا کسی از خانواده یوناتان باقی مانده است؟ (۹: ۱- ۳)

ث- یکی از خدمتکاران شائول به نام صیبا درباره مفیوشت به داوود گفت. (۹: ۳- ۴)

ج- داوود دستور داد تا مفیوشت را به قصر بیاورند. (۵ : ۹) 

چ- مفیوشت به نزد داوود آمد. او برای جانش می ترسید. (۶ : ۹)

ح- داوود به مفیوشت گفت که نترسد و این که او به خاطر یوناتان به مفیوشت احسان خواهد کرد.  (۷ : ۹)

خ- داوود به مفیوشت گفت او تمامی زمینی را که متعلق به شائول بود به مفیوشت بر می گرداند. (۷ : ۹)


۳- نقطه اوج داستان

به خاطر مهربانی داوود، اکنون مفیوشت برای بقیه عمرش از مزایای بودن در خانواده پادشاه لذت می برد. (۷ : ۹)

۴- نتیجه

الف- داوود به صیبا، پسران اش و خدمتکاران اش دستور داد تا از زمین مفیوشت نگهداری کنند. (۹ : ۹ - ۱۱)

ب- مفیوشت و خانواده اش به عنوان اعضای خانواده پادشاه با پادشاه زندگی می کردند.

 دعوت (بچه نجات یافته) :
عیسی را قبول کن و فرزند اش شو. (یوحنا ۱ : ۲۱)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: یوحنا ۱: ۲۱
" و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. "

مقدمه:

یک دعوت

(پشت یک پاکت نامه کلمه " دعوتنامه" را بنویسید. بر روی تکه ای کاغذ بنویسید " یوحنا ۱: ۲۱ " و آن را درون پاکت نامه بگذارید. پاکت نامه را در کلاس پنهان کنید و از بچه ها بخواهید که آن را بیابند. اجازه دهید بچه ای که پاکت نامه را یافت آنچه را که درون آن نوشته شده است، بخواند) بیابید تا آیه را در کتاب مقدس پیدا کنیم و ببینیم که ما را به انجام چه کاری دعوت می کند.)

معرفی:

(آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید- یا اجازه دهید بچه بزرگ تری آن را بخواند- اجازه دهید که بچه ها آیه را به همراه شما از آیه نمایشی بخوانند.)

توضیح:

" و اما به آن کسانی " – این دعوت برای همه افراد است. شما نیز دعوت شده اید.

" که او را قبول کردند"- او یعنی عیسی، خدای پسر، کسی که بهای گناهتان را با مردن بر روی صلیب پرداخت. قبول کردن عیسی یعنی این که با تمامی دل تان ایمان بیاورید که عیسی خداوند را قبول می کنید و به او اعتماد می کنید که شما را از گناه تان نجات دهد، شما فرزند خدا، عضوی از خانواده اش می شوید. زیرا خدا قادر مطلق است او قدرت دارد تا این کار را انجام دهد.

" یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد"- ایمان آوردن روش دیگری برای گفتن قبول کردن او است. اگر شما به اسم او ایمان بیاورید، شما او را به عنوان نجات دهنده تان قبول می کنید.

کاربرد:

نجات نیافتگان: اگر هنوز فرزند خدا نیستید، شما نیاز دارید که مسیح را قبول کنید. اعتراف کنید که گناه کرده اید، ایمان بیاورید که تنها عیسی خداوند می تواند گناهتان را بردارد و انتخاب کنید که او را به عنوان نجات دهنده تان از گناه قبول کنید.

نجات یافتگان: اگر به عیسی خداوند ایمان آورده اید و او را به عنوان نجات دهنده قبول کرده اید، شما فرزند او هستید. به عنوان عضوی از خانواده خدا او می خواهد شما را همه مهربان بشنود. امروز در داستان ما، ما راه هایی را یاد می گیریم که مهربانی و محبت را به دیگران نشان دهیم.

به عنوان یک خوراک رایگان، ذرت بوداده تهیه کنید تا در ساعت کلاس به عنوان یک غذای سبک خورده شود.

تکرار: پیدا کنید

(مادامی که یکی از بچه ها از کلاس بیرون است، شیئی کوچکی را پنهان کنید تا بقیه کلاس بدانند که آن شیئی کجاست. بعد بچه ای که در بیرون کلاس است داخل کلاس می شود و سعی می کند آن شیئی را پیدا کند. بقیه بچه ها آیه را پشت سر هم تکرار می کنند، وقتی که بچه از شیئی دور می شود آیه را آرام می گویند و وقتی که به شیئی نزدیک می شود آیه را بلند تر بگویند تا وقتی که در آخر هر شیئی را بیابد. داوطلب دیگری انتخاب کنید و تا جایی که زمان اجازه می دهد ادامه دهید.)

درس مقدمه

وانمود کنید که بلند گویی در دست دارید و با هیجان صحبت می نمایید.

" پادشاه مرده است! شاهزاده یوناتان مرده است! برای نجات جان هایتان فرار کنید! وقتی که پادشاه جدید و خانواده اش قدرت را به دست گیرند، همه ما کشته خواهیم شد!"

مفیوشت ۵ ساله بود که پدراش شاهزاده یوناتان و پدر بزرگ اش شائول پادشاه در یک نبرد بین کشور اسرائیل و کشور فلسطین کشته شدند. مردم مضطرب و وحشت زده بودند. آیا دشمن حمله خواهد کرد؟ پادشاه جدید چه کسی خواهد بود؟

پیشرفت وقایع

(تصویر پرستار، -۱۲۲ دی را نصب کنید.)
وقتی پرستاری که از مفیوشت نگه داری می کرد، شنید چه اتفاقی افتاده است، وحشت زده شد! او برای خانواده شائول پادشاه اهمیت قائل بود و مسئول نوه شائول پسر بود.

۴ -۱ ceflo

قلب پرستار به شدت می تپید، او چند چیز مورد نیاز را جمع کرد. او نمی باید عجله می کرد با این امید که زندگی مفیوشت را نجات دهد. پرستار دوستان پادشاه را که در آن سوی رودخانه زندگی می کردند می شناخت. اگر آنها می توانستند به آن طرف رودخانه بروند پسر بچه در امان می بود. مفیوشت تنها ۵ سنه بود. پاهای کوچک اش برای تند دویدن بسیار کوچک بود. خر چند که او برای پرستار واقعا سنگین بود، پرستار تفلا کرد که او را حمل کند تا آنها سریع تر فرار کنند.

پنج انگشت دستتان را بالا نگه دارید و سن پسر را نگویند. صفحه ی ۸۲

(تصویر پرستار، -۱۲۲ دی را با -۱۲۳ دی را تعویض کنید. تصویر مفیوشت، -۱۲۴ دی را نصب کنید.)

وقتی که پرستار می دوید، ناگهان باید لغزش خورده بود. وقتی که مفیوشت از آغوش اش سر خورد و روی زمین سخت افتاد، پرستار فریاد زد. با افتادن روی زمین پاهای مفیوشت به نحو بدی آسیب دید. "ش، گریه نکن- پایین خوب خواهد شد"، او می باید سعی کرده بود که پسر بچه را آرام کند. پرستار او را بلند کرد و به آغوش کشید و پاهای آسیب دیده اش را احساس کرد. ای

انگشتتان را بر روی دهانتان قرار دهید و بگویند "شش".

کاش او می توانست توقف کند و کمک بگیرد. اما زمانی برای توقف وجود نداشت. آنها می باید به رفتن ادامه می دادند تا از دشمن فرار کنند، او دوباره شروع به دویدن کرد.

(تصویر پرستار، -۱۲۳ ئی را با -۱۲۲ دی تعویض کنید. تصویر مفیوشت، -۱۲۴ دی را بردارید.)

مفیوشت بیچاره! در یک روز او خانواده و خانه اش را از دست داد و اکنون به خاطر آسیب دیده گیش او می بایست بقیه عمرش می لنگید. بالاخره آنها به طرف دیگر رودخانه رسیدند و یک خانواده مهربان جایی برای زندگی کردن به آنها داد. تنها تعداد کمی می دانستند که مفیوشت زنده بود و این که در کجا زندگی می کرد.

بسیار مهم بود که این موضوع به صورت یک راز باقی می ماند. از آنجا که مفیوشت به خانواده پادشاه قبلی متعلق بود، زندگی او می توانست بسیار به خطر بیافتد. شاید پادشاه جدید او را به عنوان یک دشمن تلقی می کرد.



تا وقتی که شما با به دنیا آمدن در خانواده خدا، فرزند او نشوید، کتاب مقدس می گوید که شما دشمن خدا هستید. (رومیان ۵: ۱۰، کولسیان ۱: ۱۲)

شما با خواست گناه کردن به دنیا آمده اید، به این دلیل است که با افکار و اعمال تان خدا را ناخشنود می سازید. شما با رفتن به راه های خودتان و خشنود کردن خودف شریعت او را می شکنید. وقتی که شما در گیر کارهای گناه آلودی مانند جنگیدن با برادران و خواهران تان، استفاده از کلمات بد، مصرف مواد مخدر یا دیگر مواد مضر، شما مانند دشمن خدا رفتار می کنید. گناه تان شما را از خدا جدا می سازد و مجازات گناه جدایی همیشگی از خدا است. کتاب مقدس می گوید: "کسی عادل نیست، یکی هم نی." (رومیان ۳: ۰۱)
خدا می گوید همه گناه کرده اند. تا وقتی که شما در چنین وضعیتی هستید، شما دشمن خدا هستید.

مفیوشت یکی از اعضای خانواده دشمن بود و شاید در خطر مرگ بود. او برای سال های زیادی دور از پادشاه جدید پنهان شده بود. (تصاویر را بردارید.)

مفیوشت تبدیل به مرد جوانی شد. او ازدواج کرد و با خانواده اش در طرف دیگر رود اردن زندگی می کرد. او با دوستی مایل ها دور تر از قصر پادشاه در اورشلیم زندگی می کرد. مفیوشت تصمیم داشت هرگز به نزدیکی شهر نرود چون ممکن بود که پادشاه او را بیابد! (تصویر داوود و تخت، -۱۲۶ -۱۲۵ دی را نصب کنید.)

در اورشلیم، داوود به عنوان پادشاه جدید تاجگذاری کرده بود. او اغلب به محبت و وفاداری خدا نسبت به خود فکر می کرد که او را به این مکان آورده بود. او همچنین به دوست عزیز اش یوناتان فکر می کرد. وقتی که داوود اوقات خوبی را که ایشان با هم داشتند به یاد می آورد، بسیار دلننگ یوناتان می شد. او همچنین به یاد می آورد که چطور یوناتان به او کمک کرده بود

وقتی که پادشاه جدید تاجگذاری می کرد یکی از رسوم آن روزگار این بود که او دستود می داد پسران پادشاه قبلی کشته شوند. او این کار را انجام می داد تا ایشان هرگز جای او را به عنوان پادشاه نصاب نکنند.

به مثالهایی از گناه که برای کلاستان قابل درک و ملموس می باشد اشاره کنید. همچنین بچه ها را تشویق کنید تا مثالهایی را عنوان نمایند که به ایشان کمک می کند دریابند که گناهکار هستند.

۴ - ۲ ceflo

تا از خشم مهلک پدر یوناتان ، شائول پادشاه فرار کند.
بعد از گذشت سال ها ف داوود چیز دیگری درباره آن روزهای خوش با یوناتان به یاد آورد. او و یوناتان پیش از اینکه داوود از ترس پادشاه حسود به مخفیگاه برود، عهد مخصوصی با یکدیگر بسته بودند. آنها قول دادند تا زمانی که یکی از آنها زنده است به خانواده دیگری احسان کند.

کارتی را بالا نگه دارید که در آن نوشته
اید" وعده ". این به بچه ها در یادگیری
بهتر درس کمک می کند.



از آنجا که تعلیم اصلی این درس بشارتی
می باشد، هیچ تقلایی در این درس برای بچه
ی نجات یافته وجود ندارد. مطمئن شوید که
در درس مشارکت فعالانه ای داشته باشند.
شما می توانید از فعالیت آموزشی ، " خدا
نیکو است " استفاده کنید.

وقتی که شما عیسی مسیح خداوند را قبول می کنید و عضوی از خانواده
خدا می شوید، او می خواهد که شما مهربانی اش را به دیگران نشان دهید.
چند نفر که شما می توانید با مهربانی با آنها رفتار کنید کیستند؟ (اجازه
دهید بچه ها پاسخ دهند. پیشنهادهای دیگری مانند برادران، خواهران،
والدین، دوستان مدرسه ای، بچه های تازه وارد در همسایگی تان را
اضافه کنید.)
چه نوع کارهایی شما می توانید برای آنها انجام دهید؟ (اجازه دهید بچه ها
نظرشان را ابراز کنند. پیشنهادهایی مانند کمک کردن در کارهای روز
مره یا تکالیف مدرسه، معرفی کردن آنها به دوستان تان یا دعوت کردن
ایشان به منزل تان صحبت کردن با آنها درباره عیسی، را اضافه کنید.)
کلام خدا می گوید که ما فرزندان خدا هستیم باید" با جمیع مردم احسان
بنماییم، مخصوصاً با اهل بیت امان (دیگر ایمانداران) " (غلاطیان ۶:
۰۱) وقتی که مهربانی خدا را به دیگران نشان می دهید، این کار کمک
می کند که آنها نیز بدانند خدا ایشان را نیز دوست دارد. خدا می خواهد
شما مهربانی اش را به دیگران نشان دهید.

داوود و یوناتان به همدیگر قول دادند تا وقتی که یکی از آنها زنده است به
خانواده دیگری احسان کند. اکنون، پس از سال ها داوود می خواست که
به این قول وفا کند. او خدمتکارش را خواند و از او پرسید: " آیا از خاندان
شائول کسی تا به حال باقی است تا به خاطر یوناتان او را احسان نمایم؟ " •
تصویر صیبا، -۱۲۷ دی را نصب کنید.)

خدمتکاری به نام صیبا که برای شائول پادشاه کار کرده بود یافته شد و به نزد
داوود آورده شد. پادشاه پرسید: " آیا تا به حال از خاندان شائول کسی هست
تا او را احسان خدایی نمایم؟ " بله، صیبا پاسخ داد. " یوناتان را تا به حال
پسری لنگ باقی است. " " او کجاست؟ "

داوود پرسید. " او در لودبار است، " صیبا پاسخ داد.
" برو و او را بیاور، " داوود دستور داد. پادشاه مشتاق بود تا پسر یوناتان
را ملاقات کند.

لودبار در ۰۵ مایلی شمال اورشلیم قرار
دارد و درست در شرق رودخانه ی اردن
می باشد.

(تصویر صیبا، -۱۲۷ دی را بردارید.)
داوود دوست اش یوناتان را دوست می داشت. اکنون خدا قصد داشت از
داوود استفاده کند تا محبت خدا را به مفیوشت پسر یوناتان نشان دهد. خدا
مفیوشت را فراموش نکرده بود! او مفیوشت را بسیار دوست می داشت.

خدا می خواهد شما نیز از محبت اش به شما با خبر شوید. او شما را بسیار
دوست دارد. در کتاب مقدس خدا می گوید: " با محبت ازلی تو را دوست
داشتم. " (ارمیا ۱۳: ۳).



در جامعه ی ما تعلیم غلطی از خدا ارائه می شود، بچه ها نیاز دارند که تصویر درستی از خدا داشته باشند. خدا آفریننده (نه مخلوق) میز باشد و مقدس (کاملاً عالی و بدون گناه) است. به بچه ها کمک کنید تا درک کنند چقدر مایه ی هیبت و حرمت می باشد اگر بدانند خدا ایشان را دوست می دارد.

یعنی محبت او به شما تا ابد ادامه دارد. شما برای خدا مخصوص هستید زیرا او شما را آفرید. او همچنین جهان شگفت انگیزی برای شما ساخت تا از ان لذت ببرید. او همچنین پرندگان، ابرها، درختان و گلها را ساخت! همچنین خدا مقدس است. یعنی خدا عالی است- او هرگز گناه نمی کند. اما این خدای مقدس مهربانی اش را به روش های عظیم گوناگونی به شما و من نشان می دهد. (دربارہ راه هایی که خدا مهربانی اش به ما را هر روزه نشان می دهد بحث کنید- تهیه غذای ما، مسکن ما، خانواده های ما، دوستان ما و ...) خدا می خواهد که شما بدانید او شما را دوست دارد.

خدا مفیوشت را دوست داشت و می خواست او بداند که او را فراموش نکرده است. خدا از داوود استفاده می کرد تا محبت اش را به پسر یوناتان نشان دهد. اکنون پادشاه مشتاق بود تا پسر دوست عزیزش یوناتان را ملاقات کند.

(تصویر مفیوشت، -۱۳۰ دی را در دست بگیرید.)

وقتی که یکی از خدمتکاران داوود پادشاه به محل زندگی مفیوشت آمد، او می باید بسیار متعجب شده بود! داوود پادشاه می خواهد به قصر بیایی،" خدمتکار توضیح داد.

شاید مفیوشت از خود پرسید، او چطور دانست که من کجا زندگی می کنم؟- او از من چه می خواهد؟ یقیناً من نمی توانم سودی برای پادشاه داشته باشم. شاید مفیوشت ترسیده بود چون فکر می کرد ممکن است کشته شود. اما او می دانست که باید از دستورات پادشاه اطاعت کند. خیلی زود او آماده شد تا با خدمتکار برود. وقتی مفیوشت به قصر رسیدف او می بایست بسیار عصبی بود. شاید دهان اش خشک شده بود و دست هایش عرق کرده بود. وقتی که او در حضور پادشاه توسط نگهبانان همراهی می شد، او لنگان لنگان به آرامی نزدیک تخت پادشاه رفت، بر زمین زانو زد و صورتش را بر زمین نهاد.

(تصویر مفیوشت ف -۱۳۰ ئی را بردارید تصویر مفیوشت، -۱۲۸ دی را نصب کنید.)

داوود پادشاه با محبت گفت: " مفیوشت!" خدمتگزار شما هستم"، مفیوشت فروتنانه جواب داد، و حتی جرات نکرد به پادشاه نگاه کند. اما پادشاه او را دعوت نکرده بود که به قصر بیاید و خدمتکار او شود. پادشاه فکر ریگری داشت. داوود پادشاه می باید متوجه شده بود که مفیوشت از او می ترسید، چ.ن او گفت: " مترس! زیرا به خاطر پدرت یوناتان بر تو البته احسان خواهم نمود." داوود مهربانی خدا به مفیوشت نشان داد.



کارت تعلیم

کارت با تعلیم اصلی را نشان دهید: خدا راهی ساخت تا شما را فرزند خویش سازد و بدین ترتیب مهربانی خود را به شما نشان داد.

خدا به شکل بسیار بزرگ تری مهربانی اش را به شما نشان داد. سال ها بعد خدا پسرش، عیسی مسیح خداوند را فرستاد تا از آسمان بر روی زمین بیاید و شما و من بتوانیم روزی خانه ای با او در آسمان داشته باشیم. به این دلیل است که عیسی آمد. او خدای پسر استو او هرگز گناه نکرده است. او تنها کسی است که می تواند بمیرد و مجازات گناهان شما و من را بردارد.

مردان شریب او را مضروب کردند بر او آب دهان ریختند و او را به صلیب میخکوب کردند. خون او از دست ها و پاهایش جاری شد. چرا او به انسان ها اجازه داد این کار را بکنند؟ تا شما و من دیگر به خاطر گناه مان مجازات نشویم و دیگر دشمنان خدا نباشیم. چون عیسی خون اش را بر روی صلیب داد، کتاب مقدس می گوید هر چند که شما دشمنان او هستید، اما می توانید، " به وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم"، (رومیان ۵: ۱۰) وقتی که عیسی را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرید. بعد از این که عیسی مردف او از مردگان برخاست. امروز او در آسمان زنده است! وقتی که شما او را قبول می کنید، شما می توانید بدانید که گناه تان بخشیده می شود و روزی شما با او در آسمان خواهید بود. محبت و مهربانی خدا نسبت به شما بسیار عظیم است!

داوود پادشاه مهربانی خدا را به مفیوشت نشان می داد، و قصد داشت به وعده اش به دوست اش یوناتان وفا کند. وقتی که داوود پادشاه ادامه داد چشمان مفیوشت از تعجب درشت شد. " و تمامی زمین پدرت شائل را به تو رد خواهم کرد و تو دائماً بر سفره من نان خواهی خورد." داوود گفت. چون داوود به وعده اش وفا می کرد، او زمین و خانه ای در قصر به مفیوشت داد.

نقطه اوج داستان

۶- ceflo

به خاطر مهربانی داوود، اکنون مفیوشت از مزایای عضویت در خانواده پادشاه برای بقیه عمرش لذت می برد!

نتیجه

(تصویر داوود-۱۲۵ دی، را با-۱۲۹ دی تعویض کنید. تصویر مفیوشت، -۱۲۸ دی را با-۱۳۰ دی تعویض کنید. تصویر صیبا-۱۲۷ دی را اضافه کنید.)

داوود پادشاه صیبا را خواند و گفت، " آنچه را که مال شائل و تمام خانواده اش بود به پسر آقای تو دادم و تو و پسرانت و بندگان به جهت او زمین را زرع نموده، محصول ان را بیاورید تا برای پسر آقاییت به جهت خوردن اش نان باشد. اما مفیوشت پسر آقاییت همیشه بر سفره من نان خواهد خورد." " موافق هر آنچه آقای پادشاه به بنده اش فرموده است به همین طور بنده ات عمل خواهد نمود"، صیبا به داوود پاسخ داد. صیبا ۱۵ پسر و ۲۰ غلام داشت تا بر روی زمین مفیوشت زرع کنند. مفیوشت به سختی می توانست باور کند! از حالا به بعد زندگی او متفاوت بود. او و خانواده اش در قصر زندگی می کردند. به خاطر مهربانی داوود، حالا مفیوشت مانند پسر پادشاه بود. مفیوشت کاری انجام نداده بود که شایسته این مهربانی باشد، اما او می باید به خاطر مهربانی عظیم داوود بسیار سپاسگزار بود.

دعوت



کارت تعلیم

از یکی از بچه های نجات نیافته بخواهید تا کارت تعلیم را بخواند.

با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را بپذیرند. برای آموزشهای بیشتر به دعوتهای دیگر در دروس قبلی و مبحث " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد " مراجعه کنید.

امروز ، هر چند که شما کاری انجام نداده اید که شایسته باشید، خدا می خواهد شما را فرزند خویش سازد و به این ترتیب مهربانی عظیم اش را به شما نشان دهد. او می خواهد زندگی تان را کاملاً متفاوت سازد!

یوحنا ۱: ۲۱ می گوید: " و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد. " وقتی که شما از گناه تان توبه می کنید و به سوی خدا بر می گردید و کاملاً به این حقیقت که عیسی خداوند مجازات گناهان شما را بر روی صلیب برداشت، اعتماد می کنید، شما می توانید او را به عنوان نجات دهنده تان بپذیرید. گناه شما بخشیده می شود و شما فرزند خدا، عضو خانواده او می شوید. پدر آسمانی شما از شما مراقبت خواهد کرد و هر آنچه را که شما نیاز دارید برای شما فراهم خواهد کرد. او روزی شما را بهخ خانه آسمانی اش می برد و شما برای همیشه در آنجا با او زندگی خواهید کرد. آیا با پذیرفتن عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ، عضو خانواده خدا شده اید؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشم های تان را ببندید. اگر مایلید که عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرید و فرزند خدا شوید، لطفاً با بلند کردن دستتان به من نشان دهید. (مکث کنید و متوجه جواب ها شوید.) کسانی که دست شان را بلند کردند ، می توانند مرا (در یک مکان و زمان مشخص) ملاقات کنند تا من بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چطور می توانید فرزندش شوید.

سوالات مروری

بازی مروری " درخت خانواده " کلاس را به دو تیم تقسیم کنید و برای هر یک از تیمها یک درخت بر روی کاغذ بکشید و بر روی هر یک از درخت ها دوازده جای خالی که از تنه شروع شده به درون شاخه ها گسترش می یابد تعبیه نمایید . وقتی که تیمی به درستی پاسخ می دهد اسامی زیر را به ترتیب به عنوان درخت خانواده ی داوود نصب کنید، داوود، سلیمان، آسا، یهوشافاط، یورام، عزیا، یوتام، آحاز، حزقیا، منسی، یوشیا، عیسی . تیمی که بیشترین اسامی را در درخت خانوادگی داشته باشد، برنده است.

۱- چرا پرستار مفیوشت سعی کرد که او را از پادشاه جدید پنهان سازد؟
رسم بر این بود که پادشاه جدید اعضای خانواده پادشاه قبلی را می کشت تا آنها نتوانند تخت پادشاهی او را تصاحب کنند. (

۲- وقتی که پرستار با مفیوشت می دويد چه اتفاقی برای مفیوشت افتاد؟
وقتی که پرستار مفیوشت را به زمین انداخت هر دو پای مفیوشت لنگ شد.

۳- چه چیزی باعث شد که داوود پادشاه به جستجوی مفیوشت پردازد؟
او وعده اش به یوناتان مبنی بر احسان کردن به خانواده اش را به یاد آورد

۴- داوود چطور مفیوشت را یافت؟
خدمتکار شائول، صیبا درباره او به داوود گفت

۵- وقتی که مفیوشت به نزد داوود پادشاه آمد، چه احساسی داشت؟
او بسیار وحشت زده و فروتن بود

فل ۶- داوود چطور به او احسان کرد؟
داوود تمام زمینی را که متعلق به شائول بود به او داد، او صیبا ، پسرانش و خدمتکارانش را مقرر کرد تا بر روی زمین مفیوشت کار کنند، او مفیوشت را عضو خانواده خود گردانید و به او اجازه داد تا بر روی میز پادشاه غذا بخورد

۷- خدا چگونه مهربانیش را به شما نشان داد؟
او شما را ساخت و از شما مراقبت کرد، او پسرش را فرستاد تا مجازات گناه شما را بر روی صلیب بر دارد تا شما بتوانید بخشیده شوید

۸- شما چطور می توانید فرزند خدا شوید؟
با پذیرفتن عیسی به عنوان نجات دهنده تان از گناه – یوحنا ۱: ۲۱)

۹- چرا خدا می خواهد که فرزندش محبت خدا را به دیگران نشان دهند؟
تا دیگران نیز بدانند خدا ایشان را دوست دارد

۱۰- اگر شما فرزند خدا هستید، چند کار محبت آمیزی که می توانید برای دیگران انجام دهید، چیست؟
در تکالیف مدرسه به دیگران کمک کنیم، دوست آنها باشیم، درباره عیسی با ایشان صحبت کنیم.

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

دوم سموئیل ۱۴: ۲۶-۲۵، ۱۵: ۱-۳۷، ۱۷: ۱-۱۴
۱۶، ۱۸: ۵، ۱۴-۱۵، ۲۴-۳۳، ۹۱: ۵-۴۱

آیه حفظی

دوم قرننیا ۸: ۱۲ " زیرا کخ نه در حضور خداوند فقط بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم."

هدف تعلیم

بچه نجات یافته اجازه نمی دهد که فریبکاری، زندگیش را کنترل کند.

تعلیم اصلی

خدا از شما انتظار دارد که در تمامی اوقات راستگو باشید.

تاکید برای نجات نیافتگان

به عیسی مسیح خداوند ایمان بیاور و نجات را دریافت کن.

کمک های تصویری

۱۴۹-۱۳۴ دی

خطوط اصلی درس

۱- مقدمه

نگین مادرش را فریب داد. او دروغ گفت تا آنچه را که می خواست به دست آورد. آیا تا به حال این کار را کرده اید؟ کتاب مقدس درباره شاهزاده ای می گوید که دیگران را فریب داد تا آنچه را که می خواست به دست آورد. آیا فریبکاری او نتیجه نیکو می داد؟

۲- پیشرفت وقایع

الف- پسر داوود ابشالوم به خاطر چهره و شخصیت نیکویش مورد ستایش بود. (۴۱: ۵۲-۶۲)

ب- ابشالوم با فریبکاری حمایت مردم از داوود را به نفع خودش دزدید. (۵۱-۶۱)

پ- ابشالوم داوود را فزیت که به او اجازه دهد به حبرون برود، ابشالوم در حبرون برای اجرای نقشه شورش اقدام کرد. (۵۱: ۷-۹)

ت- ابشالوم توسط نیروهایش که قوی تر می شدند، پادشاه اعلام شد. (۵۱: ۰۱-۲۱)

ث- داوود مجبور شد تا با پیروان وفادارش از اورشلیم فرار کند. (۵۱: ۳۱-۳۲)

ح- داوود از شنیدن این که یکی از مشاوران اش، اخیتوفل به ابشالوم پیوسته است، محزون گشت. او حوشای

را فرستاد تا نصیحت های اخیئوفل را گزارش دهد. (۵۱ : ۰۳ - ۷۳)

ج- مشورت حوشاری بر مشورت اخیئوفل توفیق یافت و حوشای هشداری به داوود داد تا فرار کند و برای نبرد آماده شود. (۷۱ : ۱ - ۴۱ ، ۶۱)

۳- نقطه اوج داستان
فریبکاری ابشالوم نهایتاً باعث شکست مهلکی برایش شد، و یوآب و مردانش او را کشتند. (۸۱ : ۵ ، ۴۱ - ۵۱)

۴- نتیجه

الف- داوود عمیقاً برای ابشالوم گریست و عزاداری کرد، اما یوآب به داوود اصرار کرد که عزاداری را متوقف کند و پیروزی مردانش را تصدیق کند. (۸۱ : ۴۲ - ۳۳ ، ۹۱ : ۵ - ۸)

ب- داوود پادشاه به اورشلیم برگشت تا به سلطنت خود ادامه دهد. (۹۱ : ۹ - ۴۱)

تقلا (بچه نجات یافته) :
خدا انتظار دارد که شما در تمام اوقات راستگو باشید. (دوم قرنئیان ۸ : ۱۲)

دعوت (بچه نجات نیافته)
به عیسی خداوند ایمان آورید و نجات یابید. (اعمال ۶۱ : ۱۳)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: دوم قرننیان ۸: ۱۲

" زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم. "

مقدمه:

" مواظب باشید! " آیا تا به حال شنیده اید که کسی این عبارت را بگوید؟ چرا آنها این عبارت را گفتند؟ (اجازه دهید پاسخ داده شود.) آیه حفظی امروز ما درباره هشیار بودن یا مبذول داشتن توجه خاصی در انجام یک کار می باشد.

پیش از شروع درس یکی از بچه ها را آماده کنید تا بگوید " مواظب باشید! "

معرفی:

(آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید یا اجازه دهید بچه بزرگ تری این کار را انجام دهد. بعد اجازه دهید بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند.)

توضیح:

" زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز " - تنها در نظر خداوند کار درست را انجام ندهید بلکه چیزهایی که در نظر مردم نیکو است انجام دهید. خداوند می داند آیا آنچه که شما انجام می دهید درست است چون او دل شما را می شناسد. اما بعضی وقت ها شما باید قدم های اضافی را بردارید تا دیگران نیز بدانند. برداشتن این قدم های اضافی باعث خشنودی خدا می شود و نشان می دهد که او در زندگی شما کاتر می کند. " چیزهای نیکو را تدارک می بینیم " - توجه خاصی مبذول دارید تا آنچه را که درست و راست است انجام دهید.

همیشه توضیح دهید که مفهوم آیه چیست تا بچه ها متوجه شوند که چه چیزی را به خاطر می سپارند.

مقدمه:

نگین به مادرش گفت که قصد دارد به منزل مریم برود و تکالیفش را انجام دهد در حالی که حقیقتاً با دوستانش به سینما می رفت تا فیلمی را تماشا کند که قرار نبود تماشا کند.

پیش از مقدمه، بر روی تکه ای کاغذ هشت خط مقطع به شکل زیر بکشید و از بچه ها بخواهید که حروف کلمه ی اسرار آمیز " فریبکاری " را حدس بزنند حروف را در جای آنها پر کنید تا کلمه نوشته شود. در طول درس از این کلمه در جاهایی که به آن اشاره شده است استفاده کنید.

درس

مقدمه

نگین مادرش را فریب داد. او دروغ گفت تا آنچه را که می خواست به دست آورد. آیا تا به حال این کار را انجام داده اید؟ کتاب مقدس درباره شاهزاده ای به ما می گوید که از فریبکاری استفاده کرد تا آنچه را که می خواست به دست آورد. آیا فریبکاری او نتیجه نیکو می داد؟

پیشرفت وقایع

۱- ceflo5

۵

(تصویر ایشالوم، -۱۳۴ دی، و قومف -۱۳۷- ۱۳۵ دی را نصب کنید.)
پسر داوود پادشاه، ایشالوم، بسیار مورد ستایش قوم اسرائیل بود. او بسیار خوش تیپ بود. در واقع، ایشان می گفتند که ایشالوم از بالای سرش، با موی بلند و صافش، تا کف پاهایش عالی و بدون نقص بود! به علاوه، ایشالوم شخصیت بسیار جذابی داشت. او نسبت به مردم مهربان و دلسوز به نظر می رسید. هر روز صبح زود ایشالوم بر در ورودی دروازه می ایستاد. مردم به آنجا می آمدند تا پادشاه منازعات شان را حل نماید. داوود پادشاه بسیار مشغول بود. بسیار مشکل بود که او فرصت داشته باشد و به مردم کمک کند.

بچه های پیش دبستانی می توانند وانمود کنند که ایشالوم می باشند و به کسانی که بر " دروازه " می آیند سلام می کند. و حوادثی را که در حیطه ی فریبکاری ایشالوم اتفاق می افتاد را به شکل نمایشی بازی کنند.

اما ایشالوم بسیار مشغول نبود! او به مردم درود می گفت و ادامه می داد، " ببین کارهای تو نیکو و راست است لیکن از جانب پادشاه کسی نیست که تو را بشنود. کاش که در زمین داور می شدم و هر کس که دعوایی یا مرافعه ای داشت، نزد من می آمد و برای او انصاف می نمودم."

وقتی که مردم می آمدند و به احترام او تعظیم می کردند، او دست شان را می گرفت و آنها را بلند می کرد و می بوسید. به این نحو او به ایشان می گفت: " من از شما بهتر نیستم، هر چند که شاهزاده هستم. " مردم ایشالوم را به خاطر توجهی که به ایشان می داد، دوست می داشتند. کتاب مقدس می گوید: ایشالوم " دل مردان اسرائیل را فریفت. " و این دقیقاً همان چیزی بود که او نقشه اش را داشت! قوم فکر کردند که او مهربان بود و می خواست به آنها کمک کند، اما ایشالوم ایشان را می فریفت. او مردم را به سوی خود کشید تا ایشان به جای پیروی از پدرش، پادشاه، از او پیروی کنند! او از فریبکاری استفاده کرد تا آنچه را که می خواست به دست آورد.

به کلمه ی فریبکاری اشاره کنید.

آیا شما از فریبکاری استفاده می کنید تا آنچه را که می خواهید به دست آورید؟ فریبکاری نا راستی است. فریبکاری حقه زدن به یک نفر در باور کردن چیزی است که واقعیت ندارد. شاید شما بخواهید به یک مهمانی در خانه دوست تان بروید در حالی که والدین دوست تان در سفر هستند. شما می دانید اگر فرد بالغی در آنجا نباشد که بر شما نظارت کند والدین تان اجازه نمی دهند که شما بروید، یا شاید شما نتوانید چیزی را که از مادر تان می خواهید دریافت کنید پس به نزد پدرتان می روید و به او می گوید که مادرتان اجازه داشتن ان را داده است.

اگر دیگران را فریب می دهید تا آنچه را که می خواهید داشته باشید، نهایتاً این موضوع تبدیل به یک عادت می شود که ترک آن سخت است. شاید فریبکاری شما چند نفر را گول بزند، اما شما هرگز نمی توانید خدا را فریب بدهید! او دل شما را می بیند و حقیقت را می داند. شما شریعت خدا را می شکنید. شریعت خدا می گوید که شما باید حقیقت را بگویید. دیر یا زود شما باید بهای ناراستی خویش را بپردازید. اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا انتظار دارد که شما همیشه داستگو باشید. (دوم قرنتیان ۸: ۱۲ را تکرار کنید.)



کارت تعلیم

کارت با تعلیم اصلی را نشان دهید: خدا توقع دارد که در تمام اوقات درستکار باشید.

شما و من باید نسبت به مردم و خداوند درستکار باشیم. ما نباید از فریبکاری استفاده کنیم تا آنچه را که می خواهیم به دست آوریم.

ابشالوم از فریبکاری استفاده کرد تا آنچه را که می خواست به دست آورد. او قوم را فریب داد تا از او پیروی کنند. بعد ابشالوم قسمت بعدی نقشه فریبکارانه اش را به اجرا گذاشت.

(تصویر قوم، -۱۳۷- ۱۳۵ دی را بردارید. تصویر داوود، -۱۳۸- دی را نصب کنید.)

کلماتی را که ابشالوم در موقع نر خواست خود از پدرش مبنی بر عزیمت به حبرون می گوید را بر روی کارتی بنویسید و اجازه دهید بچه ی بزرگتری آن را بخواند.

او با تقاضایی به نزد داوود پادشاه رفت. " پدر " او گفت، " مستدعی این که بروم تا نذری را که برای خداوند در حبرون کرده ام، وفا نمایم." داوود فکر کرد که پسرش می خواست به خداوند خدمت نماید و این موضوع باعث خشنودی او شد. او به ابشالوم اجازه داد تا به حبرون برود. حبرون جایی بود که خود داوود در آنجا به پادشاهی اسرائیل منصوب شده بود.

ceflo ۵ -۱

(تصویر داوود، -۱۳۸- دی را بردارید. تصویر مردان و قوم، -۱۴۳- ۱۴۵- ۱۳۷- ۱۳۵ دی را نصب کنید.) ابشالوم سریعاً وارد عمل شد. او مردان اش را به سراسر سرزمین فرستاد تا قوم را تحریک کنند، و صفات خویش را یادآوری کنند. شاید آنها چیزی مثل این گفتند، " داوود پیر شده است. او دیگر همان رهبر گذشته نیست. اما ابشالوم جوان رهبر خوبی خواهد بود."

به کلمه ی فریبکاری اشاره کنید.

آنها می خواستند که مردم باور کنند ابشالوم پادشاه خوبی خواهد بود. بعد، آنها به مردم گفتند وقتی که ایشان صدای کرنا را شنیدند باید بگویند، " ابشالوم در حبرون پادشاه شده است!" روز به روز اسرائیلی ها داوود را ترک می کردند و از ابشالوم پیروی می کردند.

آنها از خدا نپرسیدند که باید از چه کسی پیروی کنند. آنها نمی دانستند که فریب خورده اند.

(تصاویر را بردارید، تصویر داوود، -۱۳۸- دی را نصب کنید.)

بالاخره پیغام به قصر رسید. " دل های مردان اسرائیل در عقب ابشالوم گرویده است. "

وقتی که داوود فکر کرد پسر خودش به این شکل او را فریبفته است، دلش می باید شکسته بود.

ceflo ۵ -۳

شاید داوود به گذشته به هشدار ناتان نبی اندیشید با این مضمون که به خاطر گناه داوود و بتشیع، گرفتاری زیادی در خانواده داوود خواهد بود. داوود نمی توانست در اورشلیم اقامت کند. اگر ابشالوم مصمم بود که تخت سلطنت را تصاحب کند، جان داوود و مردانش در خطر بود، چون یقیناً ابشالوم سعی می کرد که شهر پایتخت، اورشلیم را فتح کند. داوود فوراً نئستوراتی در سراسر قصر پخش کرد. " برخاسته فرار کنیم و الا ما را از ابشالوم نجات نخواهد بود. پس به تعجیل روانه شویم مبادا او ناگهان به ما برسد و بدی بر ما عارض شود و شهر را به دم شمشیر بزند."

وانمود کنید که بلند گویی در دست گرفته اید و فریاد می زنید: برخیزید. عجله کنید.....

(تصویر داوود، -۱۳۸- دی را با -۱۳۹- دی تعویض کنید. تصویر قوم، -۱۴۳- ۱۴۵- ۱۴۱- ۱۴۰- دی و یوآب، -۱۴۶- دی را نصب کنید.)

ceflo ۵ -۴

وقتی که همه آماده شدند، پادشاه، با خانواده و خدمتکارانش قصر را ترک

کردند. وقتی که ایشان با عجله به سوی دروازه های شهر می رفتند، بسیاری از مردم به آنها پیوستند و گریختند. زنان و مردان و بچه هایی وجود داشتند که به داوود وفادار بودند و می خواستند با او بروند. حتی ۶۰۰ فلسطینی به صفوف آنها پیوستند! ایشان از زمانی که داوود در شهر شان جت زندگی می کرد، از داوود پیروی کرده بودند. همچنین مردانی که در ارتش داوود جنگیده بودند با او بودند. هر چند که ابشالوم قادر شده بود که بسیاری از مردم را به سوی خویش بکشاند، هنوز تعداد زیادی بودند که داوود را دوست داشتند و به او ایمان داشتند! (تصویر داوود، -۱۳۹ دی، را با تصویر -۱۴۷ دی تعویض کنید.)

داوود و مردم به کوه زیتون رسیدند. مادامی که داوود از شیب دامنه کوه بالا می رفت در اندوه اعمال پسرش می گریست. سر او پوشیده بود و با پاهای برهنه راه می رفت تا اندوهش را نشان دهد. وقتی که جمعیت دنباله رو اندوه پادشاه را دیدند، ایشان نیز سرهایشان را پوشاندند و گریستند. بعد داوود خبرهای بد بیشتری شنید. او شنید که اخیتوفل، یکی از مورد اعتمادترین مشاورانش به ابشالوم پیوسته است. اخیتوفل پدر بزرگ بتشیع بود. داوود همیشه به مشورت های او که نیکو بود، اعتماد می کرد. اکنون اگر ابشالوم چنین مشورت های نیکویی می گرفت، برای داوود بسیار خطرناک بود. داوود دعا کرد که مشورت های اخیتوفل به ابشالوم به حماقت مبدل شود.

(تصویر حوشای، -۱۴۸ دی، را رو در روی داوود نصب کنید.) در بالای تپه یکی دیگر از مشاوران داوود با او ملاقات کرد. حوشای نیز با لباسی دریده و خاکستر بر سرش عزاداری کرد. داوود از دوستش تقاضای لطفی نمود. " آیا به خاطر من به اورشلیم برمی گردی؟" داوود پرسید. او می خواست که حوشای برایش جاسوسی کند. " وانمود کن که به عنوان یک مشاور به ابشالوم پیوسته ای. دریاب که اخیتوفل چه مشورتی به ابشالوم می دهد و مشورت متفاوتی بده. بعد دریاب که نقشه ابشالوم چیست و به من خبر بده."

حوشای موافقت کرد که به داوود کمک کند و به شهر برگشت. (تصاویر را بردارید. تصویر ابشالوم، -۱۳۴ دی را نصب کنید.) در اورشلیم، ابشالوم آماده بود که تخت سلطنت را تصاحب کند. حوشای وارد شد و صدا زد، " خدا پادشاه را حفظ کند! خدا پادشاه را حفظ کند!" (تصویر حوشای، -۱۴۲ دی و اخیتوفل، -۱۴۹ دی را نصب کنید.) وقتی که ابشالوم دید یکی دیگر از مشاوران داوود به او می پیوندد، دلگرم شد. ابشالوم اول با اخیتوفل ملاقات کرد و از او پرسید، " شما مشورت کنید که چه بکنیم." اخیتوفل پاسخ داد، " مرا اذن بده که دوازده هزار نفر را برگزیده، برخیزم و شبانگاه داوود را تعقیب نمایم. پس در حالتی که او خسته و دست هایش سست است، بر او رسیده، او را مضطرب خواهم ساخت و تمامی قومی که همراهش هستند، خوماهند گریخت و پادشاه را به تنهایی خواهم کشت."

این مشورت به نظر نیکو آمد. اما ابشالوم گفت: " حوشای ارکی را نیز بخوانید تا بشنویم که او چه خواهد گفت." حوشای داخل شد و به او گفته شد

شاید خیانت اخیتوفیل به دلیل بحث ها و درگیری های خانوادگی بود. او پدر بزرگ بتشیع، و پدر ایلیام (پدر بتشیع) یکی از مردان با نفوذ داوود و احتمالاً دوست اوربا بود. شاید اخیتوفیل از عمل داوود، که باعث شرمساری بتشیع و مرگ اوربا شده بود متنفر بود.

که اخیئوفل چه گفته بود، " اخیئوفل بدین مضمون گفته است، پس تو بگو که بر حسب رای او عمل نماییم یا نه." ابشالوم گفت.

حوشای می دانست که اگر از مشورت اخیئوفل پیروی می شد، داوود دستگیر می شد. حوشای با دقت فکر کرد، بعد به ابشالوم پاسخ داد. " مشورتی که اخیئوفل این مرتبه داده است، خوب نیست. می دانی که پدرات و مردانش شجاع هستند و مثل خرسی که بچه هایش را در بیابان گرفته باشند، در تلخی جانند، و پدرت مرد جنگ آزموده است و شب را در میان قوم نمی ماند. اینک او الان در حفره ای یا جای دیگر مخفی است و واقع خواهد شد که چون بعضی از ایشان در ابتدا بیفتند. هر کس که بشنود خواهد گفت: در میان قومی که تابع ابشالوم هستند، شکستی واقع شده است. و نیز شجاعتی که دلش مثل دل شیر باشد، بالکل گداخته خواهد شد. زیرا جمیع اسرائیل می دانند که پدر تو جباری است و رفقاییش شجاع هستند. لهذا رای من این است که تمامی اسرائیل از دان تا بئر شبع که مثل ریگ کناره دریا بی شمارند، نزد تو جمع شوند و حضرت تو همراه ایشان بروی. پس در مکانی که یافت می شود به او خواهیم رسید و مثل شبندی که بر زمین می ریزد بر او فرود خواهیم آمد و از او تمامی مردانی که همراه وی می باشند، یکی هم باقی نخواهد ماند." ابشالوم دریازه پیشنهاد هر دو فکر کرد و تصمیم گرفت مشورت حوشای را بپذیرد. فوراً حوشای به داوود خبر داد تا او بتواند خود را برای نبرد آماده سازد.

ابشالوم فریبکار، خودش فریفته شد! او فکر کرد که در به دست آوردن آنچه که می خواست با هوش است. او برای مدت طولانی فریبکاری کرد و حتی تشخیص نداد که چه وقت فریفته شد. و اکنون می رفت که بهای ناراستی اش را بپردازد!

به کلمه ی فریبکاری اشاره کنید.



کارت تعلیم

از یکی از بچه ها نجات یافته بخواهید که کارت تعلیم را بالا نگه دارد.

روی یک برگه ی کاغذ بنویسید مسیحی و تفاوت.

اجازه بدهید که یکی از بچه ها تفاوتی را که یک مسیحی با بقیه ی مردم ممکن است داشته باشد نام ببرید.

انجام فریبکاری برای شما چیز خطرناکی است. اگر اجازه دهید که فریبکاری زندگی تان را کنترل کند، پس از مدت کوتاهی باید بهای ناراستی خود را بپردازید. اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا انتظار دارد که در تمامی اوقات راستگو و درستکار باشید. آیه حفطی ما را به یاد آورید. (دوم قرنیتیان ۸: ۱۲) را با هم تکرار کنید.)

اگر شما فرزند خدا هستید، نیاز دارید که بدانید که ممکن است کسانی که به عیسی خداوند ایمان ندارند شما را تماشا می کنند تا ببینند آیا چیزی که شما به آن ایمان دارید واقعاً حقیقی است. اگر ایشان در شما ناراستی ببینند، شاید فکر کنند که مسیحیان با دیگران تفاوتی ندارند، اما به عنوان یک مسیحی، شما باید متفاوت باشید! به والدین تان حقیقت را بگویید که به کجا می خواهید بروید یا چه می خواهید انجام دهید. اگر آنها بگویند نه، آنها دلیل خوبی دارند. خدا والدین تان را به شما داد تا شما را راهنمایی کنند و از شما حفاظت نمایند. مهم است که شما از آنها اطاعت کنید. ممکن است شما دوستانی داشته باشید که والدین یا معلمان شان را می فریبند تا به راه خودشان بروند، اما شما عیسی خداوند را دارید که در درون تان زندگی می کند و به شما قوت می دهد تا با وسوسه بجنگید.

از خدا بخواهید تا به شما کمک کند در هر چیزی که می‌گویید یا انجام می‌دهید درستکار باشید. دیگران متوجه خواهند شد و شما به عنوان کسی شناخته خواهید شد که می‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد. به یاد آورید که انجام دادن فریبکاری چیز خطرناکی است. پس از مدت کوتاهی، شما باید بهای ناراستی خویش را بپردازید.

ابشالوم می‌رفت که بفهمد فریبکاری چقدر می‌تواند خطرناک باشد. او می‌رفت که بهای ناراستی اش را بپردازد!

(تصاویر را بردارید. تصویر داوود، -۱۳۹ دی، سربازان، -۱۴۰ دی، و یوآب، -۱۴۶ دی را نصب کنید.)

داوود مردانش را برای نبرد آماده کرد. قبل از این که سربازان حرکت کنند، ایشان داوود را متقاعد کردند که در پشت سپاه بماند. " تو مثل ده هزار نفر از ما هستی، " آنها گفتند. " تو باید اینجا بمانی تا کشته نشوی. "

قبل از اینکه مردان او بروند، او آخرین دستورات را به ایشان داد. " به خاطر من بر ابشالوم جوان به رفق رفتار کنید. " به رغم تمام کارهایی که پسرش انجام داده بود داوود هنوز او را بسیار دوست می‌داشت.

سرداران داوود سربازان را در نبرد رهبری کردند، و ارتش ابشالوم را مغلوب کردند. بیست هزار تن از مردان ابشالوم در نبرد کشته شدند.

(تصویر داوود، -۱۳۹ دی را بردارید. تصویر پیغام رسان، -۱۴۱ دی را نصب کنید.)

یک سرباز اسرائیلی به سوی سردار داوود، یوآب دوید و گفت: " اینک ابشالوم را دیدم که در میان درخت بلوط آویزان است. " ابشالوم بر روی قاطرش از زیر درخت رد می‌شد که موی بلندش به شاخه‌ها گیر کرد، قاطر به دویدنش ادامه داد، و او را که آویزان شده بود ترک کرد. " پس چرا او را نکشتی؟ " یوآب پرسید. " من ده مئقال نقره و کمربندی به تو می‌دادم! " سرباز سرش را تکان داد. " اگر هزار مئقال نقره به دست من می‌رسید، دست خود را بر پسر پادشاه دراز نمی‌کردم! زیرا که پادشاه تو را و ایشای و اتای را به سمع ما امر فرموده، گفت زنه‌ار هر یکی از شما درباره ابشالوم جوان بر حذر باشید. " اما یوآب و چند تن از مردانش قبلاً به سوی درخت بلوط به راه افتادند تا ابشالوم را ببابند.

۵- ceflo

" ابشالوم را دیدم " ! از تغییر صدا در این قسمت استفاده کنید تا داستان حقیقی تر جلوه کند.

نقطه اوج داستان

نهایتاً فریبکاری ابشالوم باعث شکست مهلکی برایش شدو یوآب و مردانش او را کشتند.

نتیجه

(تصاویر را بردارید. تصویر داوود، -۱۴۷ دی را نصب کنید.)
وقتی که پیغام رسان برای داوود خیر آورد که ارتش اش پیروز شده بود، اما ابشالوم مرده بود، داوود به تنهایی دور شد و برای پسرش گریست. " آه

پسر م ابسالوم، داوود گریست. "پسر م، پسر م. ای کاش که من به جای تو می مردم!" به رغم گناهان ابسالوم، داوود هنوز او را دست داشت و دلش عمیقاً برایش محزون گشت.



اجازه دهید در موقع معرفی انجیل روح القدس شما را هدایت کند و بر حقایقی که بچه ها نیاز به شنیدن آن دارند تأکید نماید. مطمئن شود که حداقل یکبار دیگر بر پیغام نجات تأکید کنید.

خدای پدر شما بسیار بیشتر شما را دوست دارد و به خاطر گناهتان محزون است. او مقدس است و هیچ گناهی نمی تواند در جایی که او حضور دارد باقی بماند. او به رغم گناه تان شما را بسیار دوست دارد.

کتاب مقدس می گوید: "لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از این که هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح در راه ما مرد." (رومیان ۵: ۸)

خدا پسر عایش، عیسی خداوند را بر روی زمین فرستاد تا برای گناهان شما بمیرد. عیسی بر روی صلیب از درد رنج برد و مرد و خورش را داد تا شما بتوانید بخشیده شوید. "بدون ریختن خون، آمرزش نیست." (عبرانیان ۹: ۲۲)

بعد از این که او مرد و دفن شد، او دوباره زنده شد تا شما بتوانید به او ایمان بیاورید و از مجازات گناه تان نجات یابید. خدا به خاطر گناه تان محزون است، اما به رغم آن خدا شما را دوست دارد.

داوود پسر گناه الودش را دوست داشت و اندوهش بسیار عظیم بود. نهایتاً، یوآب به داوود کمک کرد که بفهمد او نیاز دارد تا اندوه را کنار بگذارد و مردانش را به خاطر پیروزی شان تشویق کند. داوود این کار را انجام داد و قدر دانی خود را از مردانی که زندگی های شان را به خاطر او و پادشاهی به خطر انداخته بودند نشان داد.

(تصویر یوآب، ۱۴۶- دی را نصب کنید. تصویر داوود، ۱۴۷- دی را با ۱۳۹- دی تعویض کنید.)

به زودی تمامی قوم به سوی داوود به عنوان پادشاه شان باز گشتند و با خوشی فراوان به بازگشت او به اورشلیم خوش آمد گفتند. او دوباره قوش را با قوت و جراتی که خدا به او داده بود رهبری کرد.

به رغم بازگشت مسرت بخشش داوود هنوز برای پسرش ابسالوم محزون بود. بسیار احمقانه بود که مرد جوان فکر کند می توانست با فریبکاری پادشاهی را برای خودش به دست آورد.

تقلا



کارت تعلیم

اجازه دهید بچه ها با همدیگر از روی کارت با تعلیم اطلی بخوانند.

اگر شما دیگران را فریب داده اید تا آنچه را که می خواهید به دست آورید، شما نیز بسیار احمق هستید. شما باید یک روز بهای ناراستی خود را بپردازید. اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، خدا انتظار دارد که در تمامی اوقات راستگو و درستکار باشید.

شما نمی توانید انتظار داشته باشید که خدا زندگی تان را برکت دهد وقتی که شریعت او را می شکنید و برای رفتن به راه خودتان از فریبکاری استفاده می کنید. آیا از خدا خواهید خواست که به شما کمک کند تا افکار ناراست را کنار بگذارد؟

کارتهای ببر خانه که حاوی توضیحات مربوطه میباشد را تهیه کرده و به بچه های نجات یافته بدهید تا به منزل ببرند.

به یاد آورید که عیسی خداوند در درون تان زندگی می کند تا به شما قوت دهد به ناراستی نه بگویید. او به شما کمک می کند تا از آیه حفظی ما اطاعت کنید. (دوم قرن تیان ۸ ک ۲۱ را با هم تکرار کنید.) وقتی وسوسه می شوید که دروغ بگویید یا دیگران را فریب دهید تا به راه خودتان بروید، از خدا بخواهید که شما را قوی گرداند. از او بخواهید به شما کمک کند تا با همه مردم درستکار باشید. او می تواند زندگی تان را برای دیگران مبدل به یک شهادت درخشان سازد، تا نشان دهد آنچه که شما به ان ایمان دارید واقعاً حقیقی است و این که سخنان شما می تواند مورد اطمینان قرار گیرد.

امروز برای هر کدام از شما کاری دارم که می توانید به منزل ببرید. (برگه به خانه ببر را نشان دهید.) مایلم که بر روی آن موقعیتی را بنویسید که درستکار بودن در آن موقعیت برای شما دشوار است. شاید انجا، منزل با والدین تان، در مدرسه با معلمان یا دیگر دوستان تان باشد. درباره این مشکل دعا کنید و از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا درستکار باشید.

دعوت

قوت درستکار بودن از عیسی خداوند که به عنوان نجات دهنده تان در شما زندگی می کند حاصل می شود. اگر تا به حال از او نخواستید که نجات دهنده تان باشد، امروز می توانید این کار را انجام دهید. کتاب مقدس می گوید: " به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت. " (اعمال ۶۱: ۱۳)

اگر به خدا اعتراف کنید که گناه کرده اید و از گناه تان برگردید و ایمان بیاورید که عیسی برای شما بر روی صلیب مرد، خدا وعده می دهد که از مجازات گناه نجات خواهید یافت.

لطفاً سرتان را خم کنید و چشم های تان را ببندید. اگر مایلید به عیسی خداوند ایمان آورید و نجات یابید، آیا با نگاه کردن به من نشان می دهید. (مکث کنید و متوجه جواب ها شوید.) کسانی که به من نگاه کردند می توانند (مرا در یک مکان و زمان مشخص) ملاقات کنند تا من بتوانم به شما از روی کلام خدا نشان دهم که چگونه می توانید نجات یابید.



اعمال ۶۱: ۱۳ را از روی کتاب مقدس بخوانید یا اجازه دهید بچه ی بزرگتری این کار را انجام دهد.

همیشه در طول کلاس از بچه ها برای پذیرش عیسی خداوند یکبار دعوت به عمل آورید. برای آموزشهای بیشتر به دعوت های دروس قبلی یا مبحث " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد. " مراجعه کنید.

سوالات مروری

۱- چرا شاهزاده ابشالوم در بین قوم محبوب بود؟ او بسیار خوش تیپ بود و به مردم اهمیت می داد و به ایشان مهربانی می کرد.

۲- ابشالوم چطور قوم را فریفت؟ او وانمود می کرد که به مردم اهمیت می دهد، او باعث شد که مردم فکر

بازی مروری

کلاس را به دو گروه تقسیم کنید و اجازه دهید هر گروه با هم بنشینند. به نوبت از کلاسها سوال کنید. وقتی که یکی از بچه ها به درستی پاسخ می دهد او یا یکی دیگر از بچه ها می باید بایستند. اگر پاسخ سوال نادرست باشد، یکی از بچه های آن تیم می باید بنشیند. وقتی که تمامی اعضای تیم ایستاده باشند بچه ی مورد نظر می تواند

کنند او پادشاه بهتری از داوود خواهد بود.

از یکی از بچه های تیم مقابل بخواهد که بنشیند. بر عکس اگر همگی بچه های تیم مزبور نشسته باشند و تیم جواب را نادرست بدهد یکی از اعضای تیم مقابل می لیستند. وقتی که تمام سوالات پرسیده شد، تیمی که افراد بیشتری از آن ایستاده باشند برنده است.

۳- ایشالوم چه دروغی به داوود گفت تا بتواند اجازه یابد که به حبرون برود؟
ایشالوم به داوود گفت او می خواست برود تا به وعده ای که به خدا داده بود وفا کند.

۴- فریبکاری چیست؟ چرا فریب دادن دیگران بسیار خطرناک است؟
فریبکاری یعنی حقه زدن به کسی در باور نمودن چیزی که حقیقت ندارد، فریبکاری می تواند به یک عادت تبدیل شود و باعث می شود که اغلب دروغ بگویند و مورد اعتماد قرار نگیرید. فریبکاری یک شهادت بسایر ضعیف برای فرزند خدا است.

۵- آیه ای را تکرار کنید که به ما می گوید ما باید درستکار باشیم.
دوم قرننثیان ۸: ۱۲ " زیرا که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را تدارک می بینیم

۶- داوود از حوشای خواست که چه کار کند؟
مشورت های اخیثوفل را به داوود گزارش دهد و نقشه های ایشالوم را به داوود گزارش دهد.

۷- چرا داوود از سرداران خود خواست که با ایشالوم در نبرد به نرمی رفتار کنند؟
او هنوز ایشالوم را به رغم تمام کارهایی که انجام داده بود دوست داشت.

۸- خدا چه کار کرد تا محبت خود نسبت به شما را نشان دهد؟
او پسرش عیسی را فرستاد که روی صلیب بمیرد تا این که گناه شما بتواند بخشیده شود.

۹- در نبرد چه اتفاقی برای ایشالوم واقع شد؟
بعد از این که موهای او در شاخه های درخت گیر کرد توسط یوآب و مردانش کشته شد.

۱۰- شما چگونه می توانید بر علیه وسوسه فریب دادن دیگران مبارزه کنید؟
درستکاری شما ممکن است چه تاثیری بر دیگران بگذارد؟
از عیسی خداوند بخواهید به شما کمک کند که درستکار باشید. دیگران خواهند دانست که سخنان شما می تواند مورد اعتماد قرار گیرد، آنها می توانند ببینند که عیسی در زندگی شما تفاوتی ایجاد می کند.

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

دوم تیموتائوس ۷: ۱- ۹۲، اول تواریخ ۲۲: ۲- ۳۲: ۵
اول پادشاهان ۱: ۱- ۲: ۲۱

آیه حفظی

اول تواریخ ۲۲: ۹۱ " پس حالا دل ها و جان های خود را

متوجه سازید تا یهوه خدای خویش را بطلبید

هدف تعلیم

بچه نجات یافته متعهد خواهد شد که در اطاعتش از خدا رشد کند.

تعلیم اصلی

خودتان را متعهد کنید که از خدا اطاعت کنید.

تاکید برای نجات نیافتگان

برای دریافت زندگی جاودانی به عیسی خداوند ایمان بیاورید

کمک های تصویری

- ۱۶۰- ۱۵۶- ۱۵۴- ۱۵۰ دی

خطوط اصلی درس

۱- مقدمه

یکی از مهم ترین درس های زندگی داوود چه بود؟ او این نصیحت را به پادشاه جدید انتقال می داد. گوش کنید و ببینید آیا درست حدس زدید!

۲- پیشرفت وقایع

الف- داوود می خواست پرستشگاهی برای خدا بسازد، اما خدا گفت که پسر داوود پرستشگاه را خواهد ساخت. (دوم سموئیل ۷: ۱- ۷۱)

ب- داوود کلام خدا را پذیرفت و در وعده خدا مبنی بر استوار نمودن خانه اش برای ابد شادی کرد. (دوم سموئیل ۸۱- ۹۲)

پ- داوود طرح کشید و مصالح پرستشگاهی را که پسرش می ساخت جمع آوری کرد. (اول تواریخ ۲۲: ۱- ۵)

ت- داوود مسئولیت ساخت خانه خدا را به پسرش شلیمان داد. (۲۲: ۶- ۰۱)

ث- داوود به سلیمان تصرار کرد که از خدا اطاعت نماید. (۲۲: ۱۱- ۳۱)



ج- داوود فهرستی از مصالح و کارگرانی را که برای بنای ساختمان ترتیب داده بود فراهم کرد. (۲۲ : ۴۱ - ۶۱)

چ- داوود به دیگران دستور داد که در پروژه ساختمان کمک کنند. (۲۲ : ۷۱ - ۹۱)

ح- داوود توطئه ادونیا را مغلوب کرد و پسرش سلیمان را در اطاعت از خدا پادشاه اسرائیل ساخت. (۳۲ : ۱ ، اول پادشاهان ۱ : ۱ - ۲ : ۹)

خ- داوود مرد و سلیمان به عنوان اولین نفر بعد از داوود سلطنت کرد. (اول پادشاهان ۲ : ۰۱ - ۲۱)

د- عیسی خداوند آمد تا عهد خدا با داوود را به تحقق برساند. (لوقا ۱ : ۶۲ - ۳۳)

۳- نقطه اوج داستان

روزی تمامی دنیا از عیسی مسیح به عنوان پادشاه پادشاهان اطاعت خواهد کرد. سلطنت عیسی خداوند هرگز پایان نخواهد یافت! (مکاشفه ۱۱ : ۵۱)

۴- نتیجه

شما و من نیز می توانیم پیروزی نهایی خدا باشیم.

دعوت (بچه نجات نیافته):

ایمان بیاورید و زندگی جاودانی را دریافت کنید. (یوحنا ۳ : ۶۱)

تقلا (بچه نجات یافته):

خودتان را متعهد به اطاعت از خدا نمایید. (اول تواریخ ۲۲ : ۹۱)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: اول تواریخ ۲۲: ۱۹
" پس حالا دل ها و جان های خود را متوجه سازید تا یهوه خدای خویش را بطلبید... "

مقدمه:

هر بار که یک آیه ی حفظی را معرفی می کنید از مقدمه، معرفی، توضیح، کاربرد و تکرار استفاده کنید. هر بار زمان کافی اختصاص دهید تا کلام خدا را به نحو موثری تعلیم دهید.

آیا تا به حال مصمم بوده اید کاری را انجام دهید که چیزی نمی توانست شما را مانع شود؟
این همان چیزی است که آیه حفظی ما می گوئی انجام دهید.

معرفی:

(آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید- یا به یک بچه بزرگ تر اجازه دهید تا این کار را انجام دهد- بعد اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند.)

توضیح:

" پس حالا دل ها و جان های خویش را متوجه سازید"- مصمم شوید که با تمامی وجودتان- اراده تان، فکر و احساسات تان کاری انجام دهید. اجازه ندهید چیزی مانع شما شود. " بطلبید"- با پشتکار از کسی پیروی کنید یا خودتان را به او متعهد سازید.
" یهوه خدای خویش"- خداوند (یهوه) نام عبری خدا به معنی " از خود به وجود آمده" او می تواند به واسطه خودش وجود داشته باشد. خدا اسمی بود که برای نشان دادن عالی ترین و بالاترین به کار می رفت. خدا کسی است که ما باید خودمان را متعهر سازیم تا از او پیروی و اطاعت کنیم.

کاربرد:

نجات یافتگان: اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، باید خودتان را متعهد سازید که از خدا پیروی و اطاعت کنید. این کاری است که شما با تمامی وجودتان انجام می دهید و اجازه نمی دهید چیزی مانع شما شود. کجا می توانیم بفهمیم که چطور از خدا پیروی کنیم؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.) بله، در کتاب مقدس، کلام خدا نجات نیافتگان: برای این که خودتان را متعهد به اطاعت از خدا نمایید، شما نیاز دارید که اول به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید. اگر تا به حال این کار را نکرده اید، امروز در پایان درس کتاب مقدس ما فرصتی خواهید داشت که این کار را انجام دهید.

تکرار: بند لباس

(کلمات آیات را روی برگه های کاغذ بنویسید. برگه ها را به وسیله گیره به ترتیب کلمات بر روی یک بند لباس آویزان کنید. چند بار آیه را تکرار کنید. برگه ها را نا مرتب و به هم ریخته نمایید و بعد داوطلبی را انتخاب

کنید تا آیه را مرتب نمایید. به چند نفر از بچه ها به نوبت اجازه دهید تا آیه را مرتب کنند و هر بار پس از مرتب کردن آیه، آن را تکرار کنید. (

درس مقدمه

فکر می کنید مهم ترین درسی که داوود پادشاه در طول زندگی هیجان انگیزش آموختف چه بود؟ (متوجه پاسخ ها شوید، اما پاسخ را نگوئید- پاسخ اطاعت کردن از خدا می باشد. اکنون او پیر شده بود و بک پادشاه جدید بر اسرائیل سلطنت می کرد. داوود می خواست مهم ترین چیزی را که آموخته بود به پادشاه جدید بدهد. گوش دهید و ببینید آیا درست حدس زده اید!

بچه ها را تشویق کنید تا درسهای مهمی را که داوود آموخت بگویند.

پیشرفت وقایع

داوود پادشاه تقریباً ۷۰ ساله بود. او در حدود ۴۰ سال بر اسرائیل سلطنت کرده بود. در طول آن سال ها داوود در جنگ های زیادی مبارزه کرده بود. آیا می توانید تعدادی از دشمنانی را که داوود با آنها جنگیده بود به یاد آورید؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.) چه کسی به داوود کمک کرد که در این نبردها قوی و شجاع باشد؟ بله، خدا در طول ده سال آخر، خدا به داوود استراحت داد و او با دشمنان اش جنگ نکرد. این دوره برای داوود زمان صلح آمیزی بود تا به گذشته به شادی ها و غم هایی که در زندگیش داشت بباندیشد و خدا را برای تمام کارهایی که انجام داده بود، ستایش کند. اما داوود در طول این روزهای آرام بی حوصله و کسل نشده بود! فعالیت های زیادی در اورشلیم صورت می گرفت. (تصویر داوود، - ۱۵۰ دی و مصالح ساختمانی، بی- ۱ - ۱۵۱ دی را نصب کنید.) داوود گروهی از مردان را مقرر کرد تا سنگ های زیبایی را ببرند. دیگران هزاران میخ از آهن ساختند. او تپه های عظیم درختان سرو را که قابل شمارش نبود جمع کرد. همچنین توده ای از برنج (فلز) که قابل وزن کردن نبود. چرا او تمام این مصالح را نیاز داشت؟ سال ها قبل، وقتی که داوود پادشاه شد، او تصمیم گرفت که پرستشگاهی برای خدا بسازد. او خنوند را بسیار دوست داشت. تا آن موقع، قوم خدا او را در خیمه - یک چادر عظیم- پرستش می کردند. خدا به ایشان آموزش داده بود که خیمه را به عنوان جایی بسازند که خدا در آن جا با قوم اش ملاقات می کرد. اما حالا که داوود در اورشلیم مستقر شده بود و در یک قصر خوب زندگی می کرد، او احساس کرد که نیکو بود یک پرستشگاه بزرگ برای خداوند ساخته شود. داوود این فکر را با ناتان نبی در میان گذاشت. ناتان نبی با او موافقت کرد. اما بعد خدا پیغامی برای داوود به ناتان داد. خدا گفت: " آیا تو خانه ای برای سکونت من بنا می کنی؟ " خدا تمام چیزهایی

نشان دادن اعداد ۰۷ و ۰۴ به بچه ها در یادگیری کمک خواهد کرد.

ceflo ۶-۱

بچه های پیش دبستانی از جمع آوری اشیای بزرگ مثل جعبه، چکشهای اسباب بازی، میخ و اسباب بازی برای ساختن هیکل لذت می برند.

مجموعه ای از نمونه های کوچک چیزهایی داوود برای ساختن هیکل تهیه کرد به بچه ها در یادگیری کمک می کند. بچه ها از لمس سنگهای صاف و بو کردن چوب چنار لذت می برند.

سوال را از دوم سموئیل ۷: ۵ بخوانید.

را که برای داوود انجام داده بودف به او یادآوری کرد. بعد او گفت: "وقتی روزهای تو تمام شد، پسرَت را بعد از تو استوار می سازم تا پادشاه باشد. او برای من خانه ای می سازد."

داوود مرد جنگ بود و خدا می خواست پرستشگاه اش به وسیله پسر اش، که مرد صلح بود ساخته شود. بعد خدا وعده هیجان انگیزی به داوود داد. خدا گفت که از طریق خانواده

داوود، تخت سلطنت اش را برای همیشه استوار می سازد. کسانی که بعد از داوود در خانواده اش به دنیا آیند، مادامی که از خدا اطاعت کنند، برای همیشه در اسرائیل سلطنت می کنند. داوود به وعده خدا ایمان آورد، هر چند که برای او تقریباً بسیار شگفت انگیز بود که وعده خدا را بفهمد. او راضی بود که پسرش افتخار ساختن خانه خدا را خواهد داشت.

پس از آن داوود پسران زیادی داشت، اما خدا گفته بود سلیمان کسی می باشد که بعد از داوود پادشاه خواهد بود. او کسی بود که پرستشگاه را می ساخت.

۲- ۶flo cef

(تصویر سلیمان - ۱۵۲ دی را نصب کنید.)

بعد از زمان زیادی، وقتی که سلیمان ۲۰ ساله بود، داوود احساس کرد که نیاز داشت در آماده سازی برای بنای پرستشگاه به او کمک کند.

"پرستشگاهی که باید برای خداوند ساخته شود باید به باشکوه ترین نحو ساخته شود. شهرت و جلال آن باید در همه جا مشهور گردد،" داوود گفت. او به سلیمان گفت که خدا چگونه او را برای ساختن پرستشگاه انتخاب کرده بود. "خدا به من گفت، پسرِی برای تو به دنیا خواهد آمد که مرد صلح خواهد بود. من او را از دشمنان اش آسوده می سازم. نام او سلیمان خواهد بود: تا زمانی که او زندگی می کند در اسرائیل صلح و امنیت برقرار خواهد بود. او خانه ای برای من خواهد ساخت."

وقتی که سلیمان به افتخار و مسئولیت عظیمی که در ساختن پرستشگاه خدا به او داده شده بود تفکر کرد، می باید کمی ترسیده بود. جطور او می توانست مسئولیت چنین پروژه عظیمی را بر عهده گیرد؟

داوود پسرش را دلگرم کرد و گفت: "خداوند با تو است پس تو همانطور که او گفته است پرستشگاه را خواهی ساخت. خداوند به تو حکمت بخشید تا وقتی او تو را پادشاه اسرائیل می سازد، شریعت خداوند ف خدایت را نگه داری."

داوود مهمترین چیزی را که آموخته بود با سلیمان در میان گذاشت. او به سلیمان آموزش می داد که از خدا اطاعت کند! خدا به داوود گفته بود که اگر پادشاهان در خانواده اش نا اطاعتی کنند، خدا ایشان را توبیخ خواهد کرد. داوود می دانست دوره هایی بود که او بیشترین گرفتاری ها و بزرگ ترین سختی ها را در زندگیش داشت، دوره هایی بود که از خدا سرپیچی کرده بود. وقتی او از خدا اطاعت می کرد، او با خوشی و پیروزی برکت می یافت. این مهم ترین درسی بود که داوود پادشاه می خواست سلیمان یاد بگیرد.

این مهم ترین درسی است که خدا می خواهد شما نیز بیاموزید. اگر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، خودتان را متعهد به اطاعت از خدا نمایید.



کارت تعلیم

کارت با تعلیم اصلی را نشان دهید: خودتان را به اطاعت از خدا متعهد سازید.

وقتی که انتخاب می کنید از خدا سرپیچی کنید، زندگی شما به مشکل بر می خورد. خوشی شما از بین خواهد رفت زیرا شما می دانید که خدا را خشنود نمی سازید. حتی خدمت تان او را خشنود نمی سازد. مادامی که شما از او سر پیچی می کنید، نمی توانید توقع داشته باشید که قدرت او در شما و از طریق شما کار کند. شما نخواهید توانست درباره خدا با دیگران صحبت کنید، چون هیچ کس نخواهد خواست به شما گوش کند، اگر زندگی تان نشان ندهد که از خدا پیروی می کنید. بدتر از همه، شما محبت تان را به خدا به خاطر تمام کارهایی که او برای شما انجام داده است نشان نخواهد داد. همیشه آسان نیست که از خدا اطاعت کنید. شاید ببینید که دیگران از خدا اطاعت نمی کنند و همه چیز برای آنها به نیکویی پیش می رود. شاید شما دوستانی داشته باشید که اهمیت اطاعت از خدا را درک نمی کنند و ممکن است شما را به نا اطاعتی، تشویق نمایند. برای اطاعت از خدا شجاعت و تعهد حقیقی - عزم جزم - لازم است. شما نیاز دارید که چه کار انجام دهید؟ بیایید آن را با هم بگوییم. (اول تواریخ ۲۲: ۱۹ را تکرار کنید.) این کلام خدا است که به شما اصرار می کند خودتان را متعهد به اطاعت از او نمایید. این مهم ترین درسی است که خدا می خواهد شما بیاموزید.

آیه ی حفظی را با هم تکرار کنید.

همچنین این مهم ترین درسی بود که داوود پادشاه می خواست سلیمان بدانند. در حقیقت این ها کلماتی هستند که داوود به سلیمان گفت!
داوود رفت تا پسرش را دلگرم کند. " قوی و شجاع باش! مترس" او فهرست تمام مصالحی را که جمع آوری کرده بود به سلیمان گفت. به علاوه سنگ، آهن و برنج، طلا و نقره نیز وجود داشت. در آن جا چیزهای بسیار زیادی وجود داشت که اگر ما بخواهیم به پول خودمان آن را بشماریم بیشتر از ۵ میلیون دلار می شود! این پرستشگاه بهترین پرستشگاه کل دنیا می بود! سلیمان نمی باید تنها کار می کرد. مردان ماهر جمع شده بودند تا کمک کنند. نجاران و سنگ تراشان ماهر و مردان ماهری در کار با طلا و نقره و برنج و آهن وجود داشتند.

(تصویر سلیمان، -۱۵۲ دی و مصالح ساختمانی، ب-۱۵۱۱ - دی را بردارید. تصویر تخت و رهبران، -۱۵۴ - ۱۵۳ دی را نصب کنید.)
بعد داوود رهبران اسرائیل را فرا خواند. او به آنها گفت که انتظار دارد ایشان به سلیمان در ساختن پرستشگاه کمک کنند. وقتی ایشان به پادشاه محبوب شان گوش می دادند، او به ایشان یادآوری کرد که خدا با ایشان خواهد بود. خداوند به ایشان دوره ای صلح آمیز با دشمنان شان داده بود و بنابراین ایشان نیاز داشتند که مشغول شوند و پرستشگاه را برای او بسازند. همچنین داوود طراحی کرد که قوم چگونه خدا را در پرستشگاه شگفت انگیزی که ساخته خواهد شد، بپرستند. او هزاران نفر را مقرر کرد تا مراقب پرستشگاه باشند و پرستش ها را رهبری کنند.

دیگران مقرر شدند تا آلات موسیقی بنوازند و برای خداوند سرودهای ستایشی بخوانند. داوود خودش سرودهای ستایشی بسیاری نوشت تا در پرستشگاه خوانده شوند.

ما بسیاری از این سرودها را در کتاب مقدس مان در کتاب مزموں داریم. (تصویر رهبران، - ۱۵۴ دی را بردارید.)

پیش از این که داوود بمیرد او می خواست مطمئن شود که سلیمان جای او را بر تخت سلطنت اسرائیل به عنوان پادشاه خواهد گرفت. اما داوود پسر دیگری به نام ادونیا داشت، ادونیا با داوود مخالف بود. ادونیا از سلیمان بزرگ تر بود. او مانند برادرش ابشالوم بسیار خوش تیپ بود. او همچنین بسیار مرد پسند مردم و متکبر بود. ادونیا به خاطر غرورش گفت: " من پادشاه خواهم شد. "

او می دانست که خدا برادرش سلیمان را انتخاب کرده بود، اما او علاقه ای به اطاعت از خدا نداشت. او مصمم بود که تخت سلطنت را به جای سلیمان تصاحب کند. تعداد زیادی از افراد مهم داوود، داوود را ترک کردند تا به ادونیا بپیوندند.

حتی سردار قدیمی داوود، یوآب تصمیم گرفت به ادونیا بپیوندد. ادونیا مهمانی عظیمی ترتیب داد و تمامی حامیان وفادارش را دعوت کرد. او نقشه کشید تا آنجا که می توانست افراد بیشتری را به سوی خود بیاورد و بعد خود را به پادشاه جدید اسرائیل اعلام نماید.

ناتان درباره مهمانی ادونیا شنید و فوراً با همسر داوود، بتشبع ملاقات کرد تا به او درباره نقشه ادونیا مبنی بر تلاش اش برای پادشاه شدن به جای سلیمان اطلاع دهد. ناتان بتشبع را تشویق کرد تا به نزد داوود بروت و با او در این باره صحبت کند. بتشبع داوود را از توطئه مطلع ساختف بعد یوناتان به نزد داوود آمد و او را تشویق کرد که وارد عمل شود. داوود می باید غمگین شده بود که یکی دیگر از پسرانش شورش کرده بود. اما داوود می دانست که هیچ چیز نمی توانست سر راه اطاعت از خدا بایستد.

سلیمان می باید مطابق دستور خدا پادشاه می شد. (تصاویر را بردارید. تصویر سلیمان و جمعیت، - ۱۵۷- ۱۵۶ دی را نصب کنید.)

۴-۶ ceflo

داوود دستور داد که سلیمان را بر قاطر سلطنتی اش سوار کنند و در میان خیابان های اورشلیم هدایت کنند.

از آنجا که تنها پادشاه می باید سوار این قاطر می شد، این مطلب برای مردم نشانه ای می شد که سلیمان باید پادشاه شود.

بعد ایشان می باید او را به جیحون می بزدند. جیحون فاصله کمی با جایی که ادونیا در آنجا مهمانی داده بود داشت. در جیحون، سلیمان باید به عنوان پادشاه مسح شود.

آنها دقیقاً همانطور که داوود دستور داد عمل کردند. بعد از این که سلیمان به عنوان پادشاه مسح شد، کرنا نواخته شد و قوم فریاد زدند، " سلیمان پادشاه زنده باد! " بعد رقصیدند و موسیقی نواختند و شادی عظیمی نمودند که صدای آن می توانست از کیلو مترها دورتر شنیده شود.

صدای جشن به راحتی در مهمانی ادونیا که فاصله کمی از جشن داشت، شنیده می شد. ادونیا و پیروان اش دانستند که نقشه شان مغلوب شده بود. مردم به شهر باز گشتند و سلیمان مقام اش را بر تخت تصاحب کرد.

داوود از دیدن سلیمان بر تخت اش شادی کرد. او بسیار خشنود و شکر گزار از خدا بود که آنقدر زندگی طولانی کرده بود که توانست چنین روزی

اجازه دهید بچه ها کتاب مزموں را در وسط کتاب مقدس پیدا کنند.

ادونیا پسر چهارم داوود و بزرگترین ایشان بود که می زیست. او احتمالاً فکرمی کرد که بر طبق ترتیب تولد می باید تخت پادشاهی را به ارث ببرد. در بین او و سلیمان ۵ پسر دیگر نیز وجود داشت.

اگر برای بچه های پیش دبستانی غذای کوچکی تهیه کنید ایشان مهمانی را بهتر درک می کنند. و یک نفر به عنوان " پادشاه " آن را تقسیم کند.

صدایی مانند صدای یک کرنا را تولید کنید و اجازه دهید بچه ها فریاد بزنند: " سلیمان پادشاه زنده باد! "

را ببیند.

داوود می دانست که به زودی می میرد. او می خواست آخرین نصایح خود را به سلیمان بدهد. آیا می توانید حدس بزنید که او سلیمان را به انجام چه کار تشویق کرد؟ بله، از خدا اطاع کن! یک بار دیگر، داوود به سلیمان یادآوری کرد که در راه های خدا گام بگذارد و فرمانهایش را نگه دارد. او می دانست این تنهاری بود که سلیمان می توانست نشان دهد که خدا را دوست دارد و تنها راهی بود که او می توانست واقعاً شاد باشد.



کارت تعلیم

کارت با تعلیم اصلی را به بچه ها نشان دهید و اجازه دهید آن را در حالی که ابستاده اند بخوانند: " خودتان را به اطاعت از خدا متعهد سازید. "

اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، خودتان را متعهد به اطاعت از خدا نمایید. این تنها روشی است که می توانید نشان دهید خدا را دوست دارید و تنها راهی که شما نیز می توانید واقعاً شاد باشید.

خودتان را متعهد کنید یعنی این که راسخانه مصمم باشید آن را انجام دهید. اجازه ندهید که کسی یا چیزی شما را از اطاعت خدا باز دارد. بیایید آیه مان را بگوییم. (اول تواریخ ۲۲: ۱۹ را تکرار کنید.) این آیه یهنی این که در فکر تان، دل تان و " اراده " تان مصمم باشید تا خدا را بجویید (اطاعت کنید.)

وقتی که وسوسه می شوید نا اطاعتی کنید، این آیه را بلند بگویید. از خدا بخواهید به شما تمکایل درونی اطاعت کردن بدهد. بعد آن را انجام دهید! شما می توانید برای اطاعت از خدا به قوت او تکیه کنید. اگر وفادارانه خودتان را متعهد به اطاعت از خدا نمایید، دیگران خواهند دید که شما خدا را دوست دارید و شما خوشی حقیقی را خواهید داشت.

آیه ی حفظی سخنان داوود به سلیمان را تکرار کنید.

حقیقی تنها از دوست داشتن خدا و اطاعت کردن او حاصل می شود. داوود به سلیمان گفت تنها وقتی که او از خدا اطاعت می کند، خدا وعده اش مبنی بر استوار کردن ابدی تخت اسرائیل در خانواده داوود را نگه می دارد.

(تصاویر را بردارید، تصویر تخت، -۱۵۲ دی را نصب کنید.)

مدت کوتاهی پس از این که سلیمان پادشاه شد، داوود مرد. آیا سلیمان از خدا اطاعت کرد؟ آیا در طول تمامی روزها پس از آن تخت پادشاهی اسرائیل در خانواده داوود نگه داشته شد؟ متأسفانه، پاسخ نه است. سلیمان و بعد دیگر پادشاهان که از خانواده داوود آمدند، اغلب از خدا نا اطاعتی کردند. آنها بر علیه خدا گناه کردند و درست همانطور که خدا گفت، ایشان را توبیخ کرد. خدا اجازه داد که امت های دشمن، سرزمین اسرائیل را اشغال کنند و بارها قوم را شکست دهند. هر چقدر که پادشاهان از خانواده داوود بیشتر از خدا نافرمانی می کردند، اسرائیل بیشتر مغلوب می گشت. بالاخره تمامی قوم اسرائیل، به همراه پادشاه، اسیر شدند و به خارج از سرزمین برده شدند. قصر ویران شد. پرستشگاه زیبایی که سلیمان ساخت ویران شد. تمامی شهر اورشلیم ویران گشت. به نظر می رسد که پادشاهی- و وعده خدا - به پایان رسیده بود. اما پس از ۴۰۰ سال، اتفاق شگفت انگیزی واقع شد.

خدا پسرش، عیسی مسیح خداوند را به جهان فرستاد. خدا به والدین زمینی

۵- ceflo

دوم پادشاهان ۴۲، ۵۲ را ببینید.

لوقا ۱: ۶۲-۳۳ را ببینید.

عیسی گفت: " و خداوند خدا تخت پدرش داوود را بدو عطا خواهد فرمود." (لوقا ۱: ۲۲) مریم مادر عیسی با یوسف که از خانواده داوود بود ازدواج کرد. خدا گفت که عیسی برای همیشه پادشاه خندان اسرائیل خواهد بود. اما عیسی تا وقتی که این جا بر روی زمین بود برای پادشاه شدن تاجگذاری نکرد. (تصویر صلیب و عیس، -۱۵۹- ۱۵۸ دی را نصب کنید.)

۶-۶ ceflo



از آنجا که تمرکز این درس بر رشد مسیحی قرار دارد، تعلیم انجیل خلاصه شده است. مطمئن شوید که بر پیغام نجات را در ساعت دیگری از کلاس تاکید خواهید کرد.

در عوض او بر روی صلیب به میخ کشیده شدو مرد. اما آن هم قسمتی از نقشه خدا بود. خدا کسی که مقدس و عادل است، گفت که گناه باید مجازات شود. هر کدام ما با تمایل رفتن به راه های خودمان به جای راه خدا به دنیا آمدیم (اشعیا ۳۵: ۶)
عیسی، خدای پسر، کسی که بدون گناه بود، برای گناه شما و من مرد. خون او به عنوان مجازات گناهان ما بر روی صلیب داده شد. کتاب مقدس می گوید: " و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد. (اول یوحنا ۱: ۷) عیسی مرد و دفن شد و دوباره زنده شد، چون خدا شما را دوست داشت و می خواست راهی بسازد تا امکان بخشیده شدن گناه شما فراهم شود.

آسمان زنده است.

(تصویر تاج، -۱۶۰ دی را نصب کنید.)

یک روز عیسی به عنوان پادشاه بر روی زمین تاجگذاری خواهد کرد. کتاب مقدس می گوید که عیسی خداوند به زمین بر می گردد تا از یک تخت در اورشلیم حکومت کند. آنوقت وعده خدا نهایتاً به تحقق می رسد. عیسی خداوند پسر خدا و از صلب زمینی داوود، پادشاه تمام زمین خواهد بود. تمامی حکمرانان دیگر- اعم از پادشاهان، رئیس جمهورها و دیکتاتورها- در مقابل او تعظیم خواهند کرد. همه افراد تحت حکومت او خواهند بود.

نقطه اوج داستان

روزی تمامی جهان از عیسی خداوند به عنوان پادشاه پادشاهان کسی که سلطنت اش هرگز تمام نخواهد شد اطاعت خواهند کرد.

مکاشفه ۱۱: ۵۱ را ببینید.

نتیجه

خدا می گوید که در آن روز پری خوشی و شادی بیشتر از همه وجود خواهد داشت. . بهترین قسمت این است که شما و من قسمتی از پادشاهی پیروز خواهیم بود!

دعوت



یوحنا ۳: ۶۱ را توضیح دهید تا بچه ها متوجه شوند که چگونه این آیه برای ایشان کاربرد می یابد. اجازه دهید بچه هایی که آیه را از حفظ می دانند آن را بگویند.

با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید پیغام دعوت انجیل را ارائه دهید. مطمئن شوید که بچه ها بدانند که ایشان می توانند با کلمات خود در دعا حالا یا در زمان دیگری با خدا صحبت کنند. توضیح دهید وقتی که ایشان فهمیدند که به عیسی به عنوان نجات دهنده شان نیاز دارند، می باید سریعاً پاسخ دهند.

اگر مایلید اعتراف کنید که به بخشش خدا نیاز دارید، و در دل تان اعتماد کنید که عیسی خداوند بر روی صلیب مرد تا شما بتوانید بخشیده شوید، شما می توانید زندگی جاودانی داشته باشید و قسمتی از پادشاهی خدا باشید. کتاب مقدس می گوید: " زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودان یابد. (یوحنا ۳: ۶۱) آیا به او ایمان می آورید و اعتماد می کنید تا شما را نجات دهد؟ بیایید همگی سرمان را خم کنیم و چشمان مان را ببندیم. شما می توانید همین حالا با خداوند صحبت کنید. چیزی مثل این بگویید: " عیسی خداوند عزیز، من یقیناً ایمان دارم که تو برای من مردی. من به خاطر کارهای اشتباهی که انجام داده ام، متاسفم. لطفاً گناهان مرا بردار و به من کمک کن تا از تو اطاعت کنم. می خواهم که مرا در درون به شخص جدیدی تبدیل کنی. متشکرم که امروز مرا نجات می دهی. " (از کسانی که دعا کردند بخواهید تا در یک مکان مشخص بعد از کلاس شما را ملاقات کنند تا بتوانید سوالاتی را که آنها دارند جواب دهید.)
به بچه ها یادآوری کنید که اگر حالا دعا نکردند، آنها میتوانند حتی بعد از رفتن دعا کنند.)

تقلا

اگر قبلاً به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، آیا مایلید تا خودتان را متعهد کنید که از خدا اطاعت نمایید؟ آیه امروز را به یاد آورید. (اول تواریخ ۲۲: ۱۹ را تکرار کنید.) وقتی که وسوسه می شوید نا اطاعتی کنید، آیه را با صدای بلند بگویید. از خدا بخواهید تا به شما " اراده " درونی اطاعت کردن را بدهد. بعد آن را انجام دهید! وقتی که به خدا توکل می کنید او به شما قوت لازم برای اطاعت از او را می دهد. آیا می توانید به قسمتی از زندگی تان فکر کنید که از خدا اطاعت نکرده اید؟ شاید شما زمان رازگهان خود را از دست دادید، یا این که درباره او با دیگران صحبت نکرده اید. شاید با والدین تان، برادران تان یا خواهران تان زیاد مشاجره می کنید. یکی از این محدوده هارا که نیاز دارید در اطاعت تان از خدا رشد کنید، انتخاب کنید و آن رادرست حالا به خدا تسلیم کنید. من چند لحظه ای به شما وقت می دهم تا در دل تان درباره ان با خدا صحبت کنید.

قوت او را برای اطاعت بطلبید. (برای دعا در سکوت زمان بدهید) شما می توانید یکی از این کارت ها را با خود به منزل ببرید. بر روی آن نوشته شده، " خداوند عزیز، لطفاً به من کمک کن تا (جای خالی را با نوشتن محدوده ای که به اطاعت نیاز دارد، پر کنید.)



کارت تعلیم

کارت تعلیم را بخوانید. برسید که مهمترین درسی که هر مسیحی باید یاد بگیرد چیست؟ " و اجازه دهید که تک تک بچه های نجات یافته با استفاده از کلمات کارت تعلیم پاسخ دهند، کلمات را پنهان کنید تا ببینید چه کسی می تواند از حفظ جواب دهد.

از قوت تو که به من کمک می کند تا از تو اطاعت کنم متشکرم. در نام عیسی، آمین."

جای خالی را با نوشتن محدوده ای که درباره آن با خداوند امروز صحبت کرده اید پر کنید. این دعا را هر روز در این هفته تکرار کنید و از خدا بخواهید تا در اطاعت از او به شما پیروزی ببخشد. وقتی که او به شما پیروزی می بخشد از او تشکر کنید!

اگر می خواهید که پیروزی تان را با ما در میان بگذارید، ما نیز خوشحال می شویم که با شما شادی کنیم.

کارت های ببر خانه تهیه کنید و توضیحات مربوطه را در آن بنویسید و آنها را به بچه ها نجات یافته بدهید تا به منزل ببرند.

سوالات مروری

بازی مروری

"کنده ها برای هیکل"

تخته ی سفید کلاس را با خطی به دو قسمت تقسیم کنید. برای هر پاسخ درست یک کنده برای تیم مورد نظر بر روی تخته ی سفید بکشید. تیمی که بیشترین کنده ها را در پایان تمامی سوالات بدست آورد برنده است.

۱- چرا خداوند نمی خواست که داوود برای او پرستشگاه بسازد؟
داوود مرد جنگ بود. خدا گفت که پرستشگاهش به وسیله یک مرد صلح ساخته خواهد شد.

۲- خدا چه وعده ای به داوود داد؟
تخت سلطنت اش برای همیشه از طریق صلب خانواده اش استوار خواهد شد، مادامی که ایشان از خدا اطاعت کنند.

۳- داوود چه کار کرد تا به سلیمان در ساختن پرستشگاه کمک کند؟
او مصالح را جمع اوری کرد، کارگران را مقرر کرد و برای اوقات پرستش طراحی کرد

۴- داوود به سلیمان اصرار کرد که مقم بر هر چیزی به عنوان پادشاه چه کار کند؟
از خدا اطاعت کند.

۵- خدا گفت اگر خانواده داوود از او اطاعت نکنند چه اتفاقی واقع خواهد شد؟
خدا به وسیله دشمنان ایشان را توبیخ خواهد کرد.

۶- چرا مهم است که شما به عنوان فرزند خدا، از خدا اطاعت کنید؟
این تنها راهی است که شما می توانید خوشی حقیقی را داشته باشید و برکت خدا را در زندگی تان بیابید

۷- چطور داوود مانع ادنیا شد که نتواند تخت سلطنت را از سلیمان بدزدد؟
او دستور داد که سلیمان را بر روی قاطر خویش نشانند و به عنوان پادشاه مسح شده ببرند هنگامی که ادنیا با حامیان اش جشن می گرفت.

۸- چرا خدا عیسی را پسر داوود می خواند؟ چرا خدا او را به زمین می

فرستند؟

مادر عیسی، مریم با یوسف که از صلب داوود بود ازدواج کرد. عیسی آمد تا بر روی صلیب بمیرد تا این که گناهان ما بتواند بخشیده شود.

۹- وعده خدا به داوود چه وقت به تحقق می رسد؟
وقتی که عیسی به عنوان پادشاه پادشاهان برای سلطنت ابدی برگردد.

۱۰- وقتی که اطاعت کردن دشوار است شما باید چه کار کنید؟
آیه حفظی ما نرا بلند بگویید از خدا بخواهید تا به شما " اراده " اطاعت کردن را بدهد بعد به قوت او توکل کنید و آن را انجام دهید.